

ایران کوده

شماره ۲

دبیره

ذبیح بهروز



۴ ا
 ۵ آ
 ۶ اَ
 ۷ اِ
 ۸ اُ
 ۹ اِ
 ۱۰ اِ
 ۱۱ اِ
 ۱۲ اِ



۱۳ - عددن (۱۰-۱۰)
 ۱۴ - جاد او و سپهر آ زما
 ۱۵ - عروف
 ۱۶ - اندک تر است
 ۱۷ - است
 ۱۸ - مایل ال
 ۱۹ - داند و د و د و د و د
 ۲۰ -

20
 WA
 496





گنجینه زبان، فرهنگ و ادب کهن ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ذبیح بهروز

دبیره

چاپ این کتاب با سرمایه رستم معاونت
(شهمردان) توسط سازمان انتشارات فروهر انجام شد



20WA496



سازمان انتشارات فروهر

| | |
|---------|---------------------|
| کتاب | : دبیره |
| نوشته | : ذبیح بهروز |
| چاپ | : رشديه |
| تعداد | : هزار و پانصد نسخه |
| چاپ دوم | : مهرماه ۱۳۶۳ |

ایران کوده

شماره ۲

دییره

ذبیح بهروز

فهرست

| صفحة ۵ | دبیاچه |
|--------|-------------------------------------|
| ۷ | بخش اول: الفبا و آموزش اجباری |
| ۱۰ | رسم مقطع‌ها برای حروف يك الفبای نو |
| ۱۳ | حروف طبیعی و کتابی و تحریری |
| ۱۵ | چگونگی تلفظ و رسم مقطع و انتخاب حرف |
| ۱۹ | بخش دوم: الفبا در ایران |
| ۲۰ | مدارك تاريخی راجع به الفبا در ایران |
| ۲۶ | تجوید در ایران و هند |
| ۲۷ | تجوید بعد از اسلام |
| ۳۱ | مخارج حروف هجا |
| ۳۸ | موسیقی در ایران |
| ۴۱ | ترتیب حروف الفبا |
| ۴۴ | دیوان و خط کوفی |
| ۴۷ | مقایسه حروف کوفی با اوستا |
| ۴۸ | تغییر ترتیب حروف و شیوه خط |
| ۵۰ | اسامی حروف |
| ۵۴ | ارقام هندسی یا دیوانی |
| ۵۷ | مقطعهای اصلی حروف الفباهای ایران |
| ۶۸ | ویسپ دبیره |
| ۷۰ | بخش سوم: الفبا در اروپا |
| ۷۴ | مقطعهای حروف فنیقی |
| ۷۶ | ملاحظات |
| ۷۹ | پایان |
| ۸۰ | فهرست راهنمای نامها |

دیباچه

- اگر پرده پندار صوفیان دوروی دام گستر را که
حرف درویشان و نکته عارفان
بسته اند آن به حیایان بر زبان
از پیش بردیم در پس آن پرده تیره قام دبستان درخشانی بنام
پهلوی خواهیم دید که پایگاه بلند معنوی آن
ورای مدرسه و قیل و قال و مسأله است.
- شاگردان آن دبستان باستانی درباره روش فرهنگ نو آموزان
سخنها و اندرزهای شگفت آوری دارند که نمونه ای از آن اینست:
- ۱- آموزش با اجبار زیان دارد.
 - درس ادب اگر شود ز مزه محبتی
جمعه بمکتب آورد طفل گریز پای را.
 - ۲- آموزش باید از راه نظر و معنی و اشراق باشد
نه ز تکرار و کتاب و نه هنر.
 - ۳- علمی از قبیل صرف و نحو و فقه و منطق و حکمت الهی بیهوده است.
بشوی اوراق اگر هم درس مانع.
 - ۴- مدرسه مردم را خسته و کودن و سنگدل میکند.
ز گوی مدرسه حافظ مجوی گوهر عشق
برون خرام اگر میل جستجو داری.
- این سخنان دلفریب که جز ایمان بدرستی آن دلیل دیگرنداشت از
دیرزمانی مرا مجذوب کرده بود و سیکوشیدم تا شاید بتوانم بوسیله
ربط شکل حرف با صدا و دلالت لفظ بر معنی راه آسانی برای تعلیم

نو آموزان پیداکنم که به حفظ و تکرار و اجبار و هنر آموزگار و سازمانهای
 عربی و طویل فرهنگی کنونی چندان احتیاجی نداشته باشیم.
 از چند سال پیش و مخصوصاً پس از نخستین آزمایشات تعلیم خواندن
 روزنه های امید ی پدیدار گردید و همچنین پس از تحقیقات دقیق معلوم
 شد زبان پارسی که از هنگامه های صرف و نحو و بندهای تنکیر و تعریف
 و مخصوصاً مذکر و مؤنث و غنشی و افسانه های سماع و شواذ و اشکالات
 طاقت فرسای اطلاق برکنار و آزاد است تنها زبانی است که در آن
 میتوان رابطه میان لفظ و معنی را برقرار داشت.
 این رساله مختصر فقط راجع به الفبا که کلید فرهنگ است بحث
 میکند. سه سال پیش رساله مختصری بنام «خواندن و نوشتن
 در دو هفته» منتشر کردیم. امید است در آینده رساله های
 دیگری در تکمیل این دور رساله و همچنین در موضوع زبان فارسی و
 تعلیم ریاضی و خط و رسم که سه ستون دیگر از چهار ستون کاغذ فرهنگ
 و دانش بشمارند پس از آزمایشهای دقیق که بزودی انجام
 خواهد یافت منتشر سازد.

الفبا و آموزش اجباری

کودک تا شش سالگی هزاره کلمه را با معانی دقیق و بکار بردن آنها را در جمله میاموزد و همچنین چند زبان را با تلفظ صحیح بیاموزگار و اجبار از اطرافیان خود میتواند یاد بگیرد. در واقع اگر در این مرحله کوتاه زندگی کودک درست دقت کنیم می بینیم که او تا شش سالگی میتواند به آسانی معلوماتی را کسب کند که معادل و نظیر آنرا حتی با کوشش زیاد نمی تواند بعد از این سن در مدت مدیدی کسب نماید. حال باید از خود پرسیم چه علتی دارد که همین کودک قبل از شش سالگی نمی تواند به آسانی حتی شروع به فرا گرفتن الفبا کند؟ آیا فی الحقیقه بیاد سپردن بیت و چند حرف تا این اندازه سخت است و یا اینکه علت مرموز دیگری وجود دارد؟

اگر کسی کودکان سه ساله ایرا ببیند که در مدت دقائق کمی با بازی و خنده و دست زدن خواندن را میاموزند برای او ثابت خواهد شد که این علت ناشی از نقص الفبای قراردادی جهان است و گرنه کودک بهمان آسانی که سخن گفتن را به چند زبان میاموزد خواندن را هم از کسان خود و کودکان دیگر در هنگام بازی میتواند بیاموزد.

بزرگترین عیب الفبای جهان اینست که شکل حرف با صدا و وضع دهان بستگی ندارد یعنی معلوم نیست بچه دلیل اشکال حروف را برای صداها قرار داده اند. این عیب که چندان بی اهمیت به نظر آید که تاکنون کسی آنرا قابل توجه ندانسته است بزرگترین مانع نشر فرهنگ در میان بشر میباشد.

خلاصه چون اشکال حروف الفبا قراردادی و غیر منطقی است

باید خواندن و نوشتن را فقط و فقط از راه تکرار یاد گرفت.
 هر موضوعی که آموختن آن جز تکرار راه دیگری نداشته باشد
 وقت طولانی و آموزگاران ورزیده و سازمانهای عریض و طولی
 فرهنگی و سن مقتضی برای تحمل مشقات تکرار و بخاطر سپردن دروس
 لازم دارد و بسی اتفاق می افتد که با وجود فراهم بودن همه این
 وسائل کوشش معلم و متعلم مفید واقع نمیشود و در این صورت
 گناه را متوجه استعداد فطری دانش آموز میسازند.

همچنین بواسطه عینب الفباء چندین سال از بهترین سالهای
 زندگانی کودک پیش از سن مقتضی برای دبستان و بعد از سن
 مقتضی برای دبستان بیهوده تلف میشود. زیرا که قبل از
 شش یا هفت سالگی کودک صبر و طاقت نشستن ساعتها در
 کلاس ندارد و اگر او را مجبور به این کار کنیم قوای جسمی و روحی
 او را زیان کلتی میرساند و وقتیکه رشد جسمانی او برای رفتن
 دبستان مناسب شد استعداد تمیز اصوات که کلید خواندن
 و نوشتن است در او رو به نقصان میگذازد و سنجی و کندی
 پیش میرود.

تا قبل از قرن گذشته در سراسر جهان فقط عده محدودی
 که وسائل تحصیل و وقت مساعد داشتند موفق میشدند که سوادی
 پیدا کنند ولی اکثریت مردم روی زمین که در میان ایشان
 عده بیشماری باهوش و مستعد یافت میشد بواسطه نداشتن
 وسائل تحصیل و وقت کافی و دور بودن از شهر، بیواد و بیکاره
 مانده و عمری در ظلمات نادانی بسر میبردند.
 مدتی است در اروپا و امریکا برای نشر فرهنگ آموزش

اجباری را با تحمیل مخارج گزافی بر بودجه کشور بصورت قانونی در آورده اند. با آنکه در برخی از این کشورها با بیسوادی سخت مبارزه میکنند هنوز ملیونها بیسواد در هر گوشه و کنار اروپا و امریکا موجود است که از فراگرفتن آموزش اجباری گریزان میباشند.

برای رفع کلیه نواقص و اشکالات و برانداختن فکر آموزش اجباری در جهان میخوایم طریقه ساختن الفبای را با کمال اختصار بیان کنیم که دارای امتیازات ذیل باشد:

- ۱- کودکان همان وقتیکه شروع به سخن گفتن میکنند خواندن را بیاموزند.
- ۲- یاد دادن آن کارشناس نخواهد یعنی کودکان بتوانند آنرا بهم یاد دهند.

۳- برای یادگرفتن آن استعداد مخصوص لازم نباشد.

۴- بیسوادان در چند روز با سواد شوند.

۵- با سوادان در چند دقیقه آنرا بیاموزند.

۶- حروفش ساده و متناسب و زیبا و کم پیچ و خم باشد.

۷- در تحریر شکل حروفش تغییر کلی نکند.

۸- نقطه و خط و مد و علامات قرار داری نداشته باشد.

۹- برای هر صدائیکه از دهان بیرون میاید بتوان حرفی ایجاد کرد.

۱۰- زبانها و لهجه ها را در صورت کاملتری بتوان با آن ضبط کرد.

~

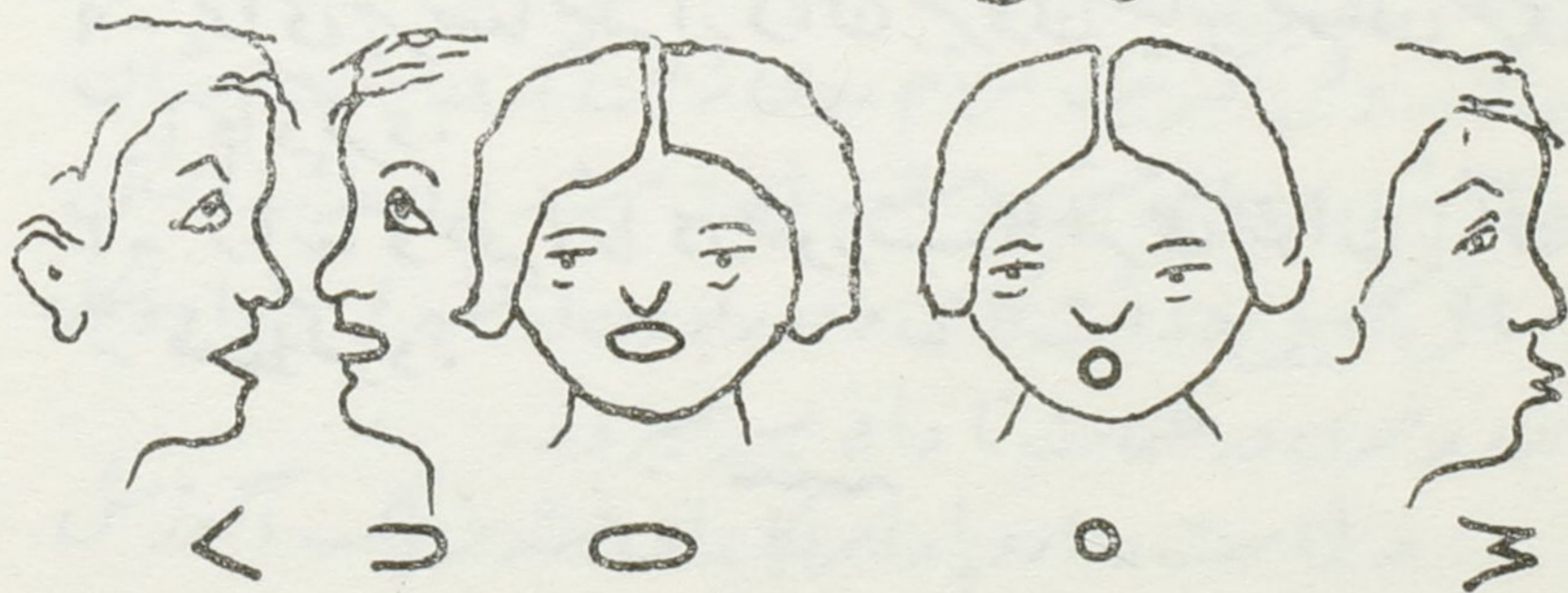
رسم مقطع‌ها برای حروف یک الفبای نو

حال فرض میکنیم الفبای برای نوشتن نداریم و میخواهیم الفبای کاملی که دارای امتیازهای مذکور باشد بسازیم. بطور نمونه اول الفبای برای زبان فارسی میسازیم.

آسانترین راه برای پیدا کردن حروف این الفبا این است که به بینم که ام یک از اعضاء در تلفظ یک صدای معین در حالت نمایان دارد تا شکل مقطع همان عضو را در حالت تلفظ برای آن حرف رسم کنیم. ولی چون تلفظ یک صدای برای تشخیص مخرج آن و تعیین عضو نمایان و رسم شکل مقطع عضو و انتخاب یکی از چند مقطع را برای صدای معین بدون سابقه آسان نیست بهترین است ابتدا به بینم چند شکل مختلف ساده از لب و سوراخ نمایان بینی و دندان و زبان و گلو و غیره که خارج و سازنده صدای هستند میتوان رسم کرد تا بعد راجع به ارتباط آنها با صدا دستور کلی بیان نمایم.

(۱) لب

بج مقطع مختلف از دو لب



سه مقطع از لب بالا



(۲) سوراخ بینی

یک مقطع از سوراخ نمایان بینی (روبرو): م

(۳) دندان

پنج مقطع از دندانها

دو دندان روی هم (نیمرخ): }

دو دندان روی هم (نیمرخ) و قسمتی از سق بالا: }

دو دندان پهلوئی هم (نیمرخ): CC یک دندان (نیمرخ): C

دو دندان پهلوئی هم (روبرو): LL

(۴) لب و دندان

دو مقطع از لب و دندان

یک دندان بالا روی لب پایینی (نیمرخ): >

دو دندان بالا روی لب پایینی (روبرو): LL

(۵) زبان

پنج مقطع از زبان

(یک خط راست همیشه مقطع زبان است.)

مقطع زبان از رو برو: —

مقطع سرزبان از رو برو درحالی که سرزبان بسوی بالا کج شده: ㄱ

مقطع زبان راست از نیمرخ: —

مقطع زبان از نیمرخ که سرش بسوی بالا کج شده: ㄴ

مقطع زبان از نیمرخ مخالف درحالی که سرزبان نوسان دارد: ㄷ

این حالت در هنگام تلفظ (ر) غلیظ کشیده در زبان

فارسی پیش می آید.

(۶) زبان و کام

(زبان در زیر کام که آزا سق یا سقف نیز گویند قرار دارد و وضعهای

مختلف بخود میگیرد ولی کام و وضعش همیشه ثابت است.)

در مقطعی ذیل خط بالا کام و خط زیرین زبان است.

مقطع سق و زبان درحالی که هر دو موازی باشند و زبان کوچک

آویزان: ㄹ . این مقطع: ㄺ از مقطع

بالا دقیق تر است ولی بالاتر برای تعلیم کودکان مناسب تر.

مقطع سق و زبان درحالی که ته زبان بسوی بالا میل کرده باشد: ㄻ

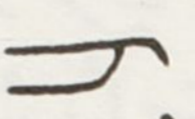
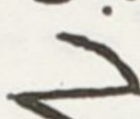
مقطع سق و زبان درحالی که میان زبان خم شده و به سق چسبیده است: ㄼ

مقطع نیمه خلفی سق با زبان که به آن چسبیده و این حالتی است

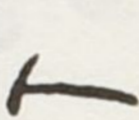
که قسمت جلوی سق در صدا تاثیر نداشته باشد: ㄽ

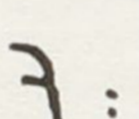

مقطع سق و زبان درحالی که سرزبان پیش از تلفظ صدا بسق

چسبیده باشد: ㄾ

مقطع سق و دندان درحالتی که سرزبان پیش از تلفظ صدا به سق
 چسبیده باشد با نیمرخ دندان جلو : 
 (۷) زبان و کام و خلیشوم
 مقطع سق و زبان و خلیشوم درحالتی که سرزبان به سق چسبیده
 باشد 

(۸) زبان و دندان

مقطع نیمرخ زبان که پشت دندان بالا چسبیده باشد : 
 (۹) گلو

مقطع نای و قسمتی از بیخ گلوی بسته از نیمرخ : 
 مقطع هلال بیخ گلو و زبان کوچک از روبرو : 

(مقطع های دیگر تا اینجا رسم شد فقط برای تلفظ فارسی است. برای
 تلفظ های دیگر مقطعیهای بسیار دیگری میتوان رسم نمود.

حروف طبیعی و کتابی و تحریری

در نتیجه آزمایشها معلوم شد که برای تعلیم نوآموزان و چاپ
 و تحریر سه قسم حروف طبیعی و کتابی و تحریری لازم است.
 حروف طبیعی از روی مقطعیهای دندان گرفته میشود و فقط
 برای تعلیم نوآموزان و نشان دادن ارتباط صدا و شکل در
 دو هفته اول بکار میرود.

حروف چاپی همان حروف طبیعی است که برای زیبایی
 ترکیب کلمات برحی از آنها را نود درجه برامت و یا بچپ

میچرخانیم و اینکار کمترین تحمیلی بر ذهن نوآموزان نخواهد داشت و این عمل در آزمایش ثابت شده است.
 حروف تحریری نیز از روی حروف کتابی گرفته میشود.
 برای نوشتن کلمات فارسی بیت و نه حرف یا شکل مقطع لازم است. در جدول ذیل مقطعیها تیرا که در بالانسان دادیم در مقابل الفبای کنونی رسم میکنیم.

| تحریری | کتابی | طبیعی | |
|--------|-------|-------|----------------|
| ا | ا | ا | آ |
| ب | ب | ب | ا |
| پ | پ | پ | ا |
| ت | ت | ت | او |
| ث | ث | ث | ای |
| ج | ج | ج | ا |
| چ | چ | چ | او (شل و درجو) |
| خ | خ | خ | ب |
| د | د | د | پ |
| ذ | ذ | ذ | ت |
| ر | ر | ر | ث |
| | | | ج |
| | | | چ |
| | | | خ |
| | | | د |
| | | | ذ |
| | | | ر |

| نمونه‌ری | کتابی | طبیعی | نمونه‌ری |
|----------|-------|-------|----------|
| 3 | 3 | 3 | 3 |
| 3 | 3 | 3 | 3 |
| c | c | c | c |
| u | u | u | u |
| f | f | f | f |
| k | k | k | k |
| l | l | l | l |
| m | m | m | m |
| n | n | n | n |
| v | v | v | v |
| h | (H)h | H | h |
| l | l | l | l |

برای اینکه خوانندگان بتوانند رابطه هر یک از مقاطعها را با صدای آن بهتر و دقیق‌تر تحقیق کنند اصولی را که در مدت چند سال گذشته اساس بحث و آزمایش قرار داده و سه سال پیش آنرا بچاپ رسانیدیم در ذیل میاوریم.

چگونگی تلفظ و رسم مقطع و انتخاب حرف

۱- هرگاه بخواهید حرفی را تلفظ کنید در جلو آن آ بگذارید و هر دورا با هم بسیار غلیظ و شدید و با درنگ چندین بار تلفظ کنید.

تا وسیع لب و دندان و زبان و غیره را برای رسم تقریبی مقطع حرف صحن
نمائید. (هنگام تلفظ آن میتوان دهان را کاملاً باز کرد و در فارسی
زبان را آزاد و بی‌کار گذاشت. پس وقتی که حرف دوم غلیظ و با درنگ
تلفظ شود وضع لب و دندان و بخوبی حس میگردد.)

۲- هر عضوی که در تلفظ حرف نمایان تر است شکل همان عضو را
در حالت تلفظ برای حرف رسم میکنیم.

۳- هرگاه دو یا سه حرف با یک عضو تلفظ شود برای داشتن اشکال مختلف
شکل آن عضو را در حالت تلفظ از روبرو یا منفرجه راست یا چپ رسم میکنیم.
۴- اگر برای یک حرف چند مقطع بتوانیم رسم کنیم آن شکلی را که برای تحریر
مناسب تر و نزدیک بحرف یکی از الفبای معمولی جهان است و
میتوان با آن تغییرات صداهای همجنس را بهتر نشان داد ترجیح میدیم.

در ذیل چند کلمه فارسی را با سه خط برای نمونه میداریم:

| تحریری | کتابی | طبیعی | |
|--------|-------|---------|-----|
| bag | BAG | هه < ٦ | باغ |
| gaw | YAW | ه < ٦ | گاو |
| zor | zor | ٣ ٥ ٢ | زور |
| HoK | HoK | ه ٥ ٦ | خوک |
| huY | HIY | ه - ٢ | هیچ |
| fru | FAW | ه < ٣ | فاش |
| suct | DUCT | ه ٥ ٥ ٦ | دست |
| you | YOU | ٢ ٥ ٣ | جو |
| num | NUM | ه ٥ ٣ | شم |

همزه

برای نوشتن کلمات فارسی گاهی به همزه احتیاج پیدا می‌شود.
چون تلفظ همزه از ته گلو و نزدیک مخارج ز (ع) می‌باشد مقطع آرا
نیز از ته گلو به این شکل ع میگیریم. این مقطع حالت قطع صدرا
هنگام تلفظ همزه نشان میدهد و مقطع بسیار دقیق ترش باید
به این صورت باشد ع که شرح آن بعداً داده خواهد شد.

کلمات لعل و شعر و مسئول را اینطور خواهیم
نوشت : LUEL WEER MUCEOL
luel weer muceol

القباض که تا اینجا داده شد فقط برای زبان فارسی است
ولی برای ضبط حروف مخصوص تلفظ عربی (که نظیر آنها نیز
در برخی زبانهای ایران مانند کردی یافت میشود) و یا کلمات
عربی که در فارسی بکار می‌رود بعداً شرح داده خواهد شد.



پایان بخش اول

چنانکه ملاحظه شد حروف این الفباء از روی خواب و خیال
 و یا اشکال و همی حیوانات گرفته شده بلکه هر حرفی مستقلاً شکل
 مقطع صدائی میباشد و پس از آزمایشهای عملی بسیاری
 انتخاب شده بطوریکه تمام تغییرات یک صدائی را بتوان با
 آن نشان داد. بهترین شاهد حسن انتخاب حروف همانا
 کودکان سه ساله میباشد که در ظرف دقائق کمی با بازی
 آنها را میاموزند.

راجع به طریقه تعلیم این الفبا و تاثیر وضعیت چشم
 در آموختن آن و جزئیات رسم و انتخاب هر یک از حروف
 رساله جداگانه ای چاپ خواهد شد.

در اینجا نیز تذکر میگردد که با طریق تعلیم و حروف
 این الفبا میتوان لالان و گنگان و مخصوصاً کوران
 در اندک مدتی به آسانی بخواندن و نوشتن آشنا کرد.

الفبا در ایران

یکی از بزرگترین اختراعات انسانی الفباست و مردم جهان از دیر زمانی پی به اهمیت این اختراع برده و مخصوصاً در قرن اخیر میخواهند بدانند که الفبا را کی و کجا و چگونه اختراع کرده است.

در تواریخ برخی از اقوام راجع به پیداشدن الفبای ناقص خود افسانه های آلوده بخواب و خیال و معجزات و تعصبات ملی ملاحظه میشود.

اخیراً هم عده ای از روی قیاس با خط مصری و چینی و اسناد به برخی مدارک مشکوک حدسیات را راجع به الفبا نوشته اند که هر حدس را حدس و تحقیقات تازه تری متزلزل ساخته است. در هر صورت ما در اینجا میخواهیم چیزی را راجع به آن اختلافات بنویسیم ولی از ذکر ملاحظه مهم ذیل که تا بحال مورد توجه محققین نبوده ناگزیریم.

چون چینی ها و مصری های قدیم اصول خطشان بر رسم اشکال بوده توانسته اند از روی آن اصول اشکال بسیاری برای رفع احتیاج خود رسم کنند و بکار برند.

اگر اقوامی که الفبا را از روی حدس به آنها نسبت میدهند طریقه ای از خود برای ایجاد حروف داشتند آنها هم مانند مصریها و چینی ها حروفی را که احتیاج داشتند میتوانند رسم کنند و بکار برند. زیرا کسی که فکرش بجائی میرسد که از گاو و خانه و شتر و یا بعقیده دیگری از باز و کلاغ و تخت حروف بسازد چگونه در مدت قرنهای بسیار از اضافه کردن چند حرف مخصوص بزبان خود عاجز می ماند؟ حروفی که الفبای این اقوام ناقص دارد

همان حروفی است که تلفظشان مخصوص زبانهای آنهاست.
 با وجودیکه در مدت سیزده قرن تعصبات دینی و نژادی و
 پنبه های قوی خارجی از غارتگری و محو آثار و قتل عام و ویرانی شهرها
 و سوزاندن کتابخانه ها و حذف و تغییر و جعل نصوص و مدارک
 تاریخی چیزی فروگذار نکرده است باز ملاحظه میشود که تاریخ الفبا در
 ایران بسیار روشن است و هر کس چه در قدیم و چه در قرن اخیر
 چیزی راجع به الفبا نوشته و یا تحقیق کرده تصدیق نموده که کاملترین
 الفبای جهان الفبای اوستاست و در میان خطوط میخی تنها
 خط میخی فارسی بصورت الفبای نسبتاً کاملی در آمده است.
 اکنون در ذیل به نقل برخی مدارک تاریخی راجع به الفبا
 و تجوید و موسیقی و ارتباط آنها با هم میپردازیم.

مدارک تاریخی راجع به الفبا

در ایران

ترجمه از کتاب التنبیه والاشراف سعودی که در حوالی ۳۴۵
 هجری تألیف شده است:

« زردشت کتاب اوستای محروف خود را آورد و عدد
 سوره های آن بیت و یک بود و هر سوره ای در دو بیت
 ورق و عدد حروف و اصواتش شصت حرف و صوت
 و هر حرف و صوتی شکل جداگانه ای داشت و از
 آنها حروفی تکرار و حروفی اسقاط میشوند زیرا که

مخصوص زبان اوستا نیست^(۱). این خط را زردشت احداث کرده و مجوس آنرا دین دبیره میگویند. «
 و زردشت خط دیگری احداث کرد که مجوس آنرا کسب دبیره یعنی خط کلی میگویند و با این خط لغات امم دیگر و صدای حیوانات و طیور و غیره را مینویسند. عدد حروف و اصوات این خط ۱۶۰ حرف و صوت است و هر حرف و صوتی صورتی جداگانه دارد. در خطوط امم دیگر خطی که دارای حروفی بیشتر از این دو خط باشد نیست زیرا که حروف یونانی که اکنون آنرا رومی میگویند بیست و چهار حرف دارد و در آن ح خ ع ه ذ ص وجود ندارد^(۲)»
 «فارسیان غیر از این دو خط که زردشت آنرا احداث کرد پنج خط دیگر دارند. برخی از این خطها در آن کلمات نبطی داخل و در برخی داخل نمیشود.»

(۱) این تصریح مسعودی اهمیت زیاد دارد زیرا که در قرائت یا با آهنگ خواندن کتب دینی برای مراعات آهنگ حروفی تکرار یا اسقاط میشود که مربوط به اشتقاق و اصل کلمه نبوده است و همین عمل در قرائت قرآن مشاهده میشود. بواسطه عدم توجه به این تصریح بسیاری از محققین دچار اشکالات عمدی و سهوی در کلمات اوستا شده اند.
 (۲) این حروف که در علم اشتقاق اهمیت بسیار دارد از چند نسخه نقل شده.

نقل از مروج الذهب مسعودی :

« زردشت پورا سپتمان از اهل آذربایجان بود
 و او بیغامبر مجوس است و کتاب معروف را که عوام آنرا
 زمزمه گویند و مجوسان آنرا ابستامی نامند آورد.
 حروف مجم این کتاب که او برای ایشان آورد شصت
 حرف مجم دارد. در حروف زبانهای دیگر حروف مجم
 بیشتر از این نیست. »

ترجمه از کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف تألیف حمزه
 اصفهانی که وفات او را از ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری نوشته اند :
 « مهمترین کتابتهای مردم جهان از زبان شرق و
 غرب و عرب و جنوب دوازده کتابت است و آن
 عربی حمیری فارسی عبرانی سریانی یونانی رومی
 قبطی بربری اندلسی هندی چینی است. پنج از
 آنها استعالمش مضمحل و باطل شده و کسانیکه آنها را
 سیدانستند از میان رفته اند و آن حمیری و یونانی
 و قبطی و بربری و اندلسی است. سه از آنها در
 کشورهای خود استعالمش باقی است و کسی در بلاد
 اسلامی نیست که آنها را بداند و آن رومی و هندی
 و چینی است. و چهار از آنها در دست است که
 در کشورهای اسلامی مستعمل میباشد و آن عربی و
 فارسی و سریانی و عبرانی است. »
 « اما کتابت عربی یک نوع دارد و در آن تلفظ نیست

فقط خط قلمهای آن در حال تجوید و تعلیق تغییر میکنند.
 ولی کتابت فارسی متنوع است و دارای هفت فن
 میباشد که محمد موبد معروف به ابو جعفر مستوکللی
 [۲۵۰ هجری] ذکر کرده است. به گمان او فارسیان
 در هنگام پادشاهی خود با هفت کتابت اراده گوناگون
 خود را تعبیر میکردند و نامهای آنها اینست: آم دفیره
 کشته دفیره نیم کشته دفیره فرورده دفیره راز دفیره
 دین دفیره [وسف دفیره]. معنی آم دفیره
 کتابت عامه است معنی کشته دفیره کتابت
 تعبیر یافته است معنی نیم کشته دفیره کتابت
 نیم تعبیر یافته است معنی فرورده دفیره کتابت
 رسائل است معنی راز دفیره کتابت راز و
 ترجمه است معنی دین دفیره کتابت دین است
 و با این کتابت مینوشتند قرائت و کتب دینی خود را.
 معنی و سَف دفیره جامع الکتابات است و
 آن کتابتی بوده شامل لغات امم از روم و قبط
 و بربر و هند و چین و ترک و نبط و عرب.
 کتابت عامه از میان آنها با بیت و هشت قلم
 رسم میشد و برای هر قلمی از آنها نام جداگانه ای
 بود چنانکه گفته میشود در خط عربی و خط تجاوید
 و خط تحریر و خط تعلیق. «
 » صناعت کتابت نامهای مختلفی داشته لازم
 فنون طبقات اعمال و بیشتر آن نامها فراموش

شده و آنچه از آنها بیاد مانده این است دادد فیره شمر
 همارد فیره کده همارد فیره کنج همارد فیره آهر همار
 د فیره آتشان همارد فیره روانکان همارد فیره
 اما دادد فیره کتابت احکام واقصیه است
 شمرمارد فیره بیت الخراج است
 کده همارد فیره کتابت حسابهای دارالملک است
 کنج همارد فیره کتابت خزائن است
 آهر همارد فیره کتابت اصطبلات است
 آتشان همارد فیره کتابت حسابهای آتش است
 روانکان همارد فیره کتابت وقفهاست
 کتابتهای دیگر هم بوده است که اسما آنها مندرس شده
 و روشن نیست. در نوشتن این هفت نوع کتابت را
 بکار میبردند چنانکه در سخن گفتن نیز پنج زبان بکار
 میرفت «.....» «تا اینجا حکایت زردشت پور
 آذر خور معروف به محمد متوکل میباشد.»
 «فارسیان نیز کتابت دیگری بنام کتابت عصا داشتند.
 این را شلمقانی حکایت میکند و متوکل از این کتابت خبر نداشت.»

ترجمه از فهرست ابن ندیم که در ۳۷۷ هجری تالیف شده:
 «عبدالله بن مقفع [وفات ۱۴۴ هجری] گفت فارسیان
 دارای هفت کتابت بودند: از آنهاست کتابت دین و
 نامیده میشود دین دفتریه و با آن اوستار امینولیند.
 کتابت دیگری ویش دبیریه گفته میشود و آن سیه و شصت

و پنج حرف بود. با آن فراست و زجر و شرشر آب و
طنین گوش و اشاره های چشم و ایما و غمزه و مانند اینها را
مینوشتند. « [صاحب فهرست گوید:] « کسی از این قلم
دستش نیفتاد و از فارسیان کسی امروز نمیتواند آزابنویسد.
اما دمو بدر از آن پرسیدم گفت آری بکار میرود برای
ترجمه چنانکه در کتابت عربی تراجمی موجود است.
کتابت دیگر کتج گفته میشود و آن بیت و هشت حرف است.
با آن نوشته میشود عهد و موامرات و قطع و همچنین
فارسیان با این کتابت روی انگشتر و حاشیه لباس و روی
فرشها و سکه های دینار و درهم نقش میکردند. (۱) اینت
نمونه ای از آن. » [در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است.]
« کتابت دیگر نیم کتج گفته میشود و آن بیت و هشت
حرف است. با آن طب و فلسفه نوشته میشود. این
است نمونه ای از آن. » [در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است.]
« کتابت دیگر شاه دیره گفته میشود. با این کتابت
شاهان عجم تکلم میکردند میان خودشان ولی نه با عوام
و منع میکردند از آن سایر مردمان کشور را از ترس اینکه
سب باد آگاه شود از اسرار شاهان کسی که شاه نیت.
بدست مانیافتاد. کتابت رسائل چنانکه بر زبان

(۱) این جمله میرساند که چرا روی سکه ها و آثار قدیمه حروف دین دیره
یافت نمیشود زیرا این خط مذہبی فقط برای ضبط آهنگ سرودهای
مقدس بوده است.

جاریت و در آن نقطه نیت . برخی از آنها بزبان سریانی
اولی که اهل بابل به آن گفتگو میکردند نوشته میشد و خوانده
میشد بفارسی . عدد حروفش سی و سه حرف است .
نامه دبیره و هام دبیره گفته میشود و آن برای سایر
اصناف کشور بجز شائنت فقط و این نمونه ای از
آنت . « [در اینجا نمونه ای از این کتابت داده است .]
د کتابت دیگر راز سهویه گفته میشود . پادشاهان با
آن رازهای خود را مینوشتند با هر کس از سایر امم .
عدد حروف و اصواتش چهل حرف است و هر حرفی
از حروف و اصوات صورت مجردی دارد و در آن
لغت نبطلی نیت . و ایشان کتابت دیگریست
که داس سهویه گفته میشود . با آن فلفه و منطق
نوشته میشود و آنرا بیت و چهار حرف است . نقطه
دارد . بدست مانیفاد . «

تجوید در ایران و هند

از چندین قرن پیش از میلاد در ایران و هند ادعیه و سرودهای
مذهبی را با زمزمه یا آهنگ میخواندند . این طرز خواندن را مردم
این دو کشور از پیشوایان دینی خود با علاقه مندی بسیار میآموختند
زیرا که عقیده داشتند که اگر سخنهای مقدس با تلفظ صحیح قدیمی و
زیبای خود ادا نشود تاثیری ندارد و این عقیده و عادت در ایران
و هند بهمان روش دیرینه خود در کنار بتکده ها و صحن مسجد ها
محمول است .

علمی که در آن از مقاطع دهان و حروف بهجا و مخرج و صفات
هر حرف بحث میکند علم تجوید مینامند و کتب ب نظر این علم که از
پانزده تا پنج قرن پیش از میلاد درهند نوشته شده خوشبختانه
از میان نرفته است.

قبل از اسلام در ایران بعلاوه علم تجوید حروف مخصوصی
برای ضبط زمره یا قرائت کتب مذهبی داشته اند. متأسفانه
بجز حروف آن الفبای آهنگی و ترتیب علمی ب نظر آن و علامات
تجوید و برخی اصطلاحات و مدارک تاریخی از کتب اصلی این علم
چیزی بدست مانده است.

کتابهای تجوید قبل از اسلام مانند اصل کلید و دمنه و
هزار افسانه و صد کتاب دیگر در فتنه عرب و مغول از میان
رفته ولی محتویات آنها ب عربی و فارسی محفوظ مانده است.

تجوید بعد از اسلام

اولین علمی که به تقلید عادات مذهبی قدیم ب عرب ترجمه شده
علم تجوید است ولی چون تجوید از علوم سری مذهبی و در ایران
منحصراً ب یک دسته مخصوص بوده مسلمانان جز معلومات سطحی
از آن چیز دیگری نتوانسته اند کسب کنند زیرا اگر با اصول این
علم کاملاً آشنا باشند میتوانند خط تجوید داشته باشند
و مجبور نشوند برای قرائت هر کلمه ای شرح جداگانه ای در
کتابهای مفصل خود بنویسند.

از قراریکه نوشته اند در زمان حجاج بن یوسف در عراق
اختلافات فونی میان مسلمانان در قرائت آیات قرآنی

پیداشد. برای جلوگیری از اختلافات حجاج از کاتبهای ایرانی خود
استمداد جهت و در همین موقع است که حروف معجم کوفی که
بعدها به آن اشاره خواهد شد از خطوط قدیم ایران اقتباس گردید.
از ترتیب تجویدی آیات و عصریکه در آن قرائت سبعه نشود
نما کردند و مدارک تاریخی دیگر ظاهراً است که علم تجوید در حدود
هشتاد هجری در میان مسلمانان رواج گرفته است.
خلاصه مسلمانان ایران با سوابقی که از کتب دینی باستانی
داشتند در تقسیم و تنظیم آهنگی آیات و نقل و تعریب اصطلاحات
خدمت شایانی انجام دادند و کلمات آی سوریه جزو...
که همه کلمات دخیل میباشند و بسیاری از اصطلاحات و آثار
دیگر تقلید از گذشته را میرساند!

کتابهای تجوید

چون در مدت قرنهای بسیار اصول علم تجوید تغییر اساسی
نگرفته است و تقریباً همه مؤلفین کتابهای خود را از هم استنساخ
کرده اند لازم نیست یک کتاب و یا یک نسخه مخصوصی را زمینه
نقل قرار دهیم.

هر چند طرز تقسیم بندی و سبک تعبیر کتابهای تجوید با هم
اختلاف دارد و اغلاط و افتادگیهای بسیاری در نسخه های خطی

(۱) بسم الله در اول سوره ها و مقایسه بقره و گوشورون و شان
رول سوره یوسف و ترتیب تجویدی آیات یکی از مباحث تاریخی است
که باید در رساله عبدالکانه در آن بحث کرد.

و چایی دیده میشود ولی آن اختلافات و اغلاط بهیچوجه تأثیری
در موضوع بحث ما نخواهد داشت زیرا مقصود ما در این رساله تقسیم
و تنظیم کتب تجوید نیست بلکه میخواهیم نشان دهیم که در ایران و
هند قبل از میلاد به فحارج و مقاطع حروف بهجا آشنائی داشتند
و شکل حروف الفبائی ایران برای ضبط صدا و آهنگ از
روی مقاطع دهان گرفته شده است.

شرح چند اصطلاح مهم

تجوید: تجوید در لغت خوب کردن است و در اصطلاح ادا کردن
هر حرف را از مخرج که مخصوص اوست با صفاتی که مخصوص اند به
آن حرف تا متمایز شوند حروف متقاربه که نزدیک اند با هم در مخرج
و حروف متجانسه که متحدند در مخرج و متغایرند در صفت.

ملاحظه: کلمه تجوید که در عربی از اصل جاد است به معنی صورت و صغای
در قرآن بکار رفته و معانی لغوی آن با معنی اصطلاحی هیچگونه ربطی
ندارد. حقیقت اینست که کلمه جاد معرب کلمات بسیار
یعنی خواندن با آهنگ.

حرف: مقصود از حرف حرف هجا است.
اینکه حرف را حرف گویند برای اینست که حد منقطع صوت
و پایان و کناره آنست.

ملاحظه: هر چند این تعریف مبهم است ولی با وجود این برای
حرف چنین تعریفی در هیچ زبان نیست. حقیقت اینست که حرف
و هجا هر دو به این معنی معرب اند و معنی ترکیبی هر دو "صدای
مقطع" است.

مخرج: مخرج حرف موضعیت که آن حرف از آن بیرون می آید و
 طریقه شناختن وی آنست که آن حرف را ساکن گردانند و همزه بر
 سر وی افزایند و تلفظ کنند پس هر موضعی که آن حرف بر آن
 قرار گیرد مخرج حرف است.

ملاحظه: از روی این تعریف مهم میتوان برای هر حرفی شکلی رسم کرد
 و حرف قرار داد.

مخرج و مقطع و حرف و صوت: در کتابهای تجوید دو کلمه
 مخرج و مقطع تقریباً مترادف بهم بکار رفته اند و بهین سبب ملاحظه
 میشود که راجع به عدد مخرج حروف اختلافاتی پیدا شده و آنها را
 از نه تا هفده نوشته اند. و نیز دو کلمه حرف و صوت بجای
 هم استعمال شده اند. نظیر این اشتباهات در کتبی که از یونانی
 بعربی و از عربی ببلاتین ترجمه شده مشاهده میشود که باعث اختلافات
 زیادی گردیده است.

سختی علم تجوید

تجوید یکی از سخت ترین علوم عملی است و اگر کسی سن مقتضی
 و استعداد موسیقی نداشته باشد بچوخت موفق بفر گرفتن آن نمیشود.
 برای نشان دادن سختی این علم عبارت ذیل از کتابهای تجوید
 نقل میشود:

« بدانکه لحن بر دو قسم است لحن جلی و لحن خفی
 لحن جلی آنست که در کلمه یا در اعراب آن تغییری واقع شود
 چنانکه همه کس را معلوم باشد. لحن خفی آنست که حرف از
 مخرج خود ادا نشود و یا خللی در صفات وی حاصل شود و این
 معلوم نشود مگر کسیرا که فرا گرفته باشد این فن را از استاد ماهر و

مدت مدید تعب کشیده و در ادانی اشمام و اتقان و تحقیق و تسهیل و ادغام و اخفا و اختلاس و اشباع کوشیده مخارج و صفات حروف دانسته و محافظت حدود آن کرده باشد. «

مخارج حروف هجا

در برخی از کتابهای تجوید مخارج حروف بطریق ذیل تقسیم شده است:

حروف تهجی از سه موضع بیرون می آید: (۱) حلق - (۲) دهان - (۳) لب و دندان و خیشوم. ا حلق سه مخرج دارد: (۱) ابتدای حلق از جانب شش - (۲) میان حلق - (۳) آخر حلق.

۲- دهان ده مخرج دارد:

چهار موضع از زبان: بن زبان - میان زبان - کنار زبان - سر زبان با طازه و کام و دندان

۳- اندرون لب و سردندانهای ثنایای بالا - میان دو لب.

در بسیاری از کتابهای تجوید مخارج حروف را بطریق ذیل داده اند:

بدانکه حروف تهجی بیت و نه یا بیت و همت حرف

است و بر هر تقدیر مجموع اینها از هفده مخرج ادا میشود:

مخرج اول و دوم و سوم از آخر حلق است تا نزدیک زبان کوچک و آن مخرج شش حرف است:

ء ها از آخر حلق

ع حا از وسط حلق

غ خا از نزدیک زبان کوچک.

مخرج چهارم و پنجم زبان کوچک است و از آنجا دو حرف ادا میشود:

ق ک لکن قاف از پشت زبان کوچک است و کاف

از بالای آن که طرف دهن است.

مخرج ششم هوای دهن است که مخرج حروف مدیست و از آنجا

سه حرف ادا میشود:

آ او ای.

مخرج هفتم پهنای زبان و کام بالا و از آنجا سه حرف ادا میشود:

ج ش ی.

در وقت ادای جسم زبان بکام میچسبد و در شین و یا نمی چسبد.

مخرج هشتم کنار زبانست باشکم دندانهای آسیای بالا و یا از طرف راست یا چپ که از آنجا صی ادا میشود.

ملاحظه مهم: بعضی ضاد را از پهنای زبان میدانند و این

تصریح در شکل ضاد و سایر حروف اطباق ص ط ظ دخالت

دارد و بعد از این به آن اشاره خواهد شد.

مخرج نهم و دهم و یازدهم گوشت پای دندانهای ثنایا و رباعیات

بالا و کنار سر زبان است و از آنجا سه حرف ادا میشود:

ل ن س

مخرج ن بالاتراز ل و مخرج س بالاتراز ن بطوریکه قدری

از پشت زبان گفته میشود.

مخرج دوازدهم و سیزدهم تیزی زبان و نطع کام بالاست متصل

به ثنایا و از آنجا سه حرف ادا میشود: تا ط د.

همچنین تیزی سرزبان و سردندانهای ثنایای بالا و از آنجا
سه حرف ادا میشود: تا ظا ذ .

مخرج چهاردهم سرزبان و میان ثنایای زیرین است چنانکه
اندکی گشادگی میان زبان و دندان نماید و آن مخرج نر -
س . ص است .

در وقت ادای نر سرزبان نزدیک شکم دندانهای ثنایا
است و در وقت ادای ص س قدری دورتر .

مخرج پانزدهم سردندانهای بالا و شکم لب زیرین است . از
آنجا یک حرف ادا میشود : ف .

ملاحظه : در فارسی یک حرف دیگر از این مخرج ادا میشود و آن و است .
مخرج شانزدهم دولب است . از آنجا سه حرف ادا میشود :

ب م و (عربی) .

ب از تری لب است و م از غلغ لب است و و از وسط لب است .
ملاحظه : مخرج پ که نیز از لب است در اینجا ذکر نشده است .

مخرج هفدهم خیشوم است که سوراخ بینی باشد و آن مخرج م
دن ساکن است در وقت غم .

ملاحظه مهم : در مخرج نهم و دهم و یازدهم دن داده شده است .
همچنین در مخرج شانزدهم م داده شده است . در مخرج هفدهم
هم باز م و ن داده شده است .

صفات ذاتی حروف

صفات ذاتی حروف پنج است که با ضدهش ده میشود که
دو صفت از این صفات اضداد در یک حرف جمع نمیگردند :

- (۱) اطباق ضد انفتاح
 (۲) همس ضد جهر
 (۳) شدت ضد رخوت
 (۴) استعلا ضد استفال
 (۵) اذلاق ضد اصمات

صفات عرضی حروف

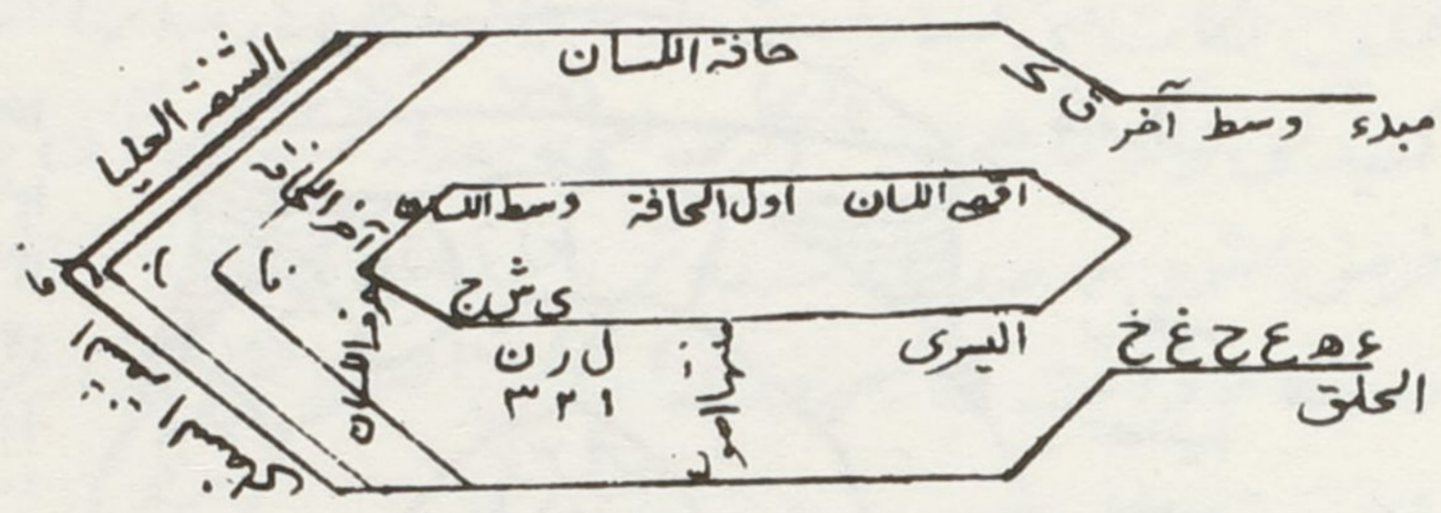
صفات عرضی حروف شائزده است :
 ضغط قلمه جوفیه مخفیہ نبر تکریر
 انحراف بکّه نفث خورخوره نفع صغیر
 اعتلال تفسی استطال غنّه .
 (صفات دیگر از قبیل اظهار اخفاء تفخیم
 ترقیق نیز وجود دارد.)

برای نمونه صفات ذاتی و عرضی یک حرف را در ذیل

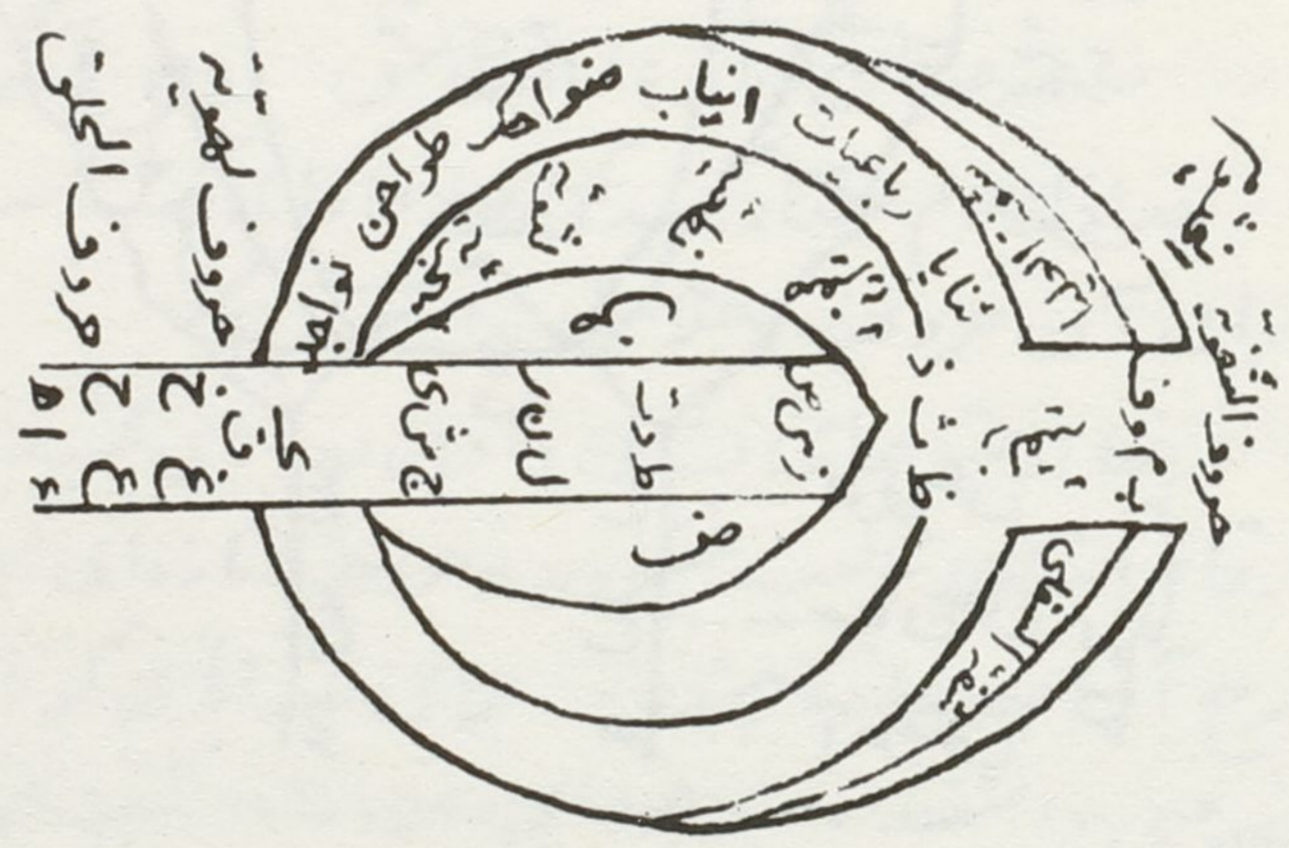
سید، سیم :
 بدانکه همزه را هشت صفت است :
 ذاتی : انفتاح جهر شدت استفال اصمات
 عرضی : اعتلال سکون نبر .

مقطعه‌های دهان در کتابهای تجوید

در کتابهای تجوید مقطعه‌های بسیاری از دهان عمودی و افقی و همچنین مقطع جداگانه زبان یافت می‌شود. برای نمونه چند مقطع در ذیل می‌آوریم.



مقطع فوق از قرن هفتم هجری است.



قصر و مد

گذشته از موضوع فحارج و مقاطع حروف و صفات ذاتی و
 عرضی آنها که تا اینجا بطور اختصار ذکر شد در تجوید راجع به کشیدگی
 و کوتاهی صدا و تبدیل یا اماله برخی: دیری و همچنین طرز قرائت‌های
 مختلف نکات فنی بسیار است که با کمال اختصار به آنها اشاره می‌شود.
 کشیدگی و کوتاهی: اگر صدائی مقدار کشیدگی آن واحد ^{طبعی}
 فرض شود سه صدای کشیده تر و سه صدای کوتاه تر از واحد ^{طبعی}
 در هنگام قرائت بکار برود که اساسی اصطلاحی آنها به ترتیب
 اینست:

سه صدای کشیده: مد طول توسط

واحد ^{طبعی}: قصر

سه صدای کوتاه: اختلاس روم اشمام

بعد از اسلام مقدار کشیدگی صداهای ابا انگشت حساب می‌کردند
 و برای آن حروف و علامتی نداشتند.

در خط اوستا برای نشان دادن صداهای کشیده حرف را
 با ارقام هندی ترکیب می‌کردند و حروف تازه‌ای می‌ساختند که
 شرح آن بعد داده می‌شود. برای صداهای کوتاه هم علامت
 مخصوصی داشتند. وجود این علامات در کتب تجوید تصریح شده
 و حروف مخصوصی هم در خط اوستا وجود دارد ولی تشخیص آنها
 برای اختلاس و روم کاری عملی است که بعداً باید در آن
 بحث و تحقیق فنی کرد.

طرز قرائت

بجز از قرائت ساده موزون که حتی الامکان در آن تلفظ کلمات و معانی آیات مراعات کامل میشده برای نشان دادن زیبایی آیات و تاثیر آن در نفوس اکثریت مردم که از درک معانی عاجز بودند پنج قسم قرائت دیگر وجود داشته است :

- ۱- ترقیص آهسته و بلند و بریده خواندن
- ۲- ترعید با آهنگ لرزان خواندن
- ۳- تطریب برای مراعات آهنگ مدیحا دادن
- ۴- تحزین سوزناک خواندن
- ۵- تحریف برای حسن آواز در کلمات تغییر دادن و از حروف آنها انداختن.

با وجودیکه آموختن موسیقی حرام بوده بیخ قاری بدون اطلاع از موسیقی محال بود که بتواند از عمده قرائت های مختلف فوق بیرون بیاید.

قراء سبعه : از هفت نفر قراء مشهور پنج نفر ایرانی بودند. ابن کثیر فارسی که وفاتش در سال ۱۳۰ هجری است رئیس و پیشوای این فن محسوب میشود و آخرین ایشان نیز بهمن بن فیروز کسائی است که در ۱۷۹ هجری در نزدیکی شهری بدرود جهان گفته.

موسیقی در ایران

بعلاوه مدارک و آثار تاریخی بسیار و خط تجوید و اصطلاحات فارسی فنی موسیقی که نقل و تعریب آنها بعربی ممکن نبوده در تاریخ کلیسای عیسوی راجع به تنظیم سرودهای مذهبی چهریزی نوشته اند

که خلاصه آن اینست :

در قرن پنجم میلادی دو نفر ایرانی برای یاد دادن سرودهای مذهبی به میلان میروند. آهنگهایی که این دو نفر در کلیسا تنظیم داده بودند بطوری موثر بوده که سنت آگوستین هنگام شنیدن آنها اشک از چشمانش روان میگرددیده است.

قطعه ذیل از آخر کتاب خلاصه الافکار فی معرفة الادوار که در قرن هفتم هجری تألیف شده و از یادگارهای موسیقی دوره ساسانیان است نقل میشود.

طریقه من نوروز فی ضرب الرمل

الصورة $\frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6}$

عَلَى صَبِّكُمْ يَا كَمِينَ تَرْفَعُوا ۝ وَمِنْ وَصَلِكُمْ يَوْمًا عَلَيْهِ تَصَدَّقُوا ۝
وَلَا تَلْفُوهُ بِالْصُدُودِ فَإِنَّهُ ۝ يَحْذِرُ أَنْ يَشْكُوا إِلَيْكُمْ فَتَشْفَعُوا ۝

عَلَى صَبِّكُمْ ۝ يَا كَمِينَ ۝ تَرْفَعُوا ۝ فَوَا ۝

$\frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6} \frac{6}{6}$

نُت موسیقی که در ذیل مصراع اول داده شده در سه مصراع دیگر تکرار میشود و لهذا در اینجا برای اختصار نقل نشد.

ملاحظات ذیل را جمع به دو بیت فوق که نُت آن در قرن هفتم هجری نوشته شده و از قدیمیترین طرز نت نویسی میباشد

قابل توجه است:

- (۱) نام آهنگ فوروز است و دو بیت عربی را برای خواندن در این آهنگ با ستانۀ بانت نوشته اند.
- (۲) مانند خط اوستا مقدار نقرات با ارقام هندی نشان داده شده است.
- (۳) دو علامت اوستائی ۰ و ۰۰ که برای فصل و وقف و اول و آخر جمله بکار سیرفته در اینجا نیز به تقلید اسلوب قدیم بکار رفته است.
- (۴) این علامت ۰ که در اوستا برای فصل یک کلمه از کلمه دیگر بکار سیرود در اینجا برای جدا کردن یک کلمه از هم بکار رفته چنانکه در کلمه یا حاه کمین ۰ دیده میشود.

از ملاحظات فوق نتیجۀ ذیل گرفته میشود:

- (۱) در نوشتن نت برای دو بیت بالا در آهنگ فوروز از علامات فصل و وقف اوستائی و ارقام هندی استفاده و تقلید شده است.
- (۲) اگر کلمات عربی دو بیت طوری انتخاب شده بود که محل فصل در آخر خود کلمه واقع میگردد دیگر احتیاجی به تقسیم خود کلمه پیدا نمیشد. پس معلوم میشود که شاعر در وقت انشاد شعریا نظری به آهنگ نداشته و نت بعد نوشته شده است و یا نتوانسته است کلمات را مطابق نت انتخاب کند.

با در نظر گرفتن مطالب فوق و اینکه خط اوستا خط زمزمه یا آهنگ بوده تصور سیرود سراینده گاترها در هنگام سرودن قطعه با توجه به آهنگ داشته و کلمات را طوری انتخاب کرده است که علامت فصل (۰) در آخر کلمه واقع شود.

ترتیب حروف الفبا

از نکات قابل توجه در تاریخ الفبا ترتیب طبیعی صدائاست
 که یکی از کلیدهای سر ساختمان حروف بشمار می آید .
 بطور کلی الفبای جهان دارای چهار ترتیب مختلف است :
 ترتیب حروف بحجم - ترتیب حروف سانکریت - ترتیب ابجدی - ترتیب ابتهی
 ترتیب حروف بحجم : این ترتیب باستانه که تا اواخر قرن
 چهارم هجری رواج داشته اساسش بر پایهٔ مقطع های حروف
 از حلق تا لب بوده است . این ترتیب یگانه ترتیب علمی و فنی
 صداء در جهانست و نظیر آن در هیچ الفبای دیده نمیشود .
 چنانکه بعد از این در شرح ترتیب ابتهی ملاحظه خواهد شد
 شویبه برای اینکه ننگ حروف بحجم را از خود بردارند ترتیب
 علمی مذکور را بقوهٔ خلفای وقت و اخبار و احادیث جعلی برهم زدند .
 ترتیب حروف نقل از الکتاب سیبویه
 که در او اسطر قرن دوم هجری تالیف شده

« همزه الف ه ع ح غ خ ق ک ص
 ج ش ی ل ر ن ط د ت ص ز س
 ظ ذ ث ف ب م و
 اگر چه اصل این حروف بیست و نه است ولی اگر فروع
 این حروف هم در نظر گرفته شود زبان عربی و پنج حرف
 دارد و استعمال این حروف فرعی در قرائت قرآن پسندیده است .
 ن خفیف همزه بین بین الف با امله شدید
 ش مانند بحیم ض مانند ز الف تفخیم
 در صورتیکه حروف ناپسندیده را در نظر بگیریم حروف عربی چهل و

در میشود ولی این حروف اضافی در تلفظ اشخاصی که بعربی سخن خوب
میگویند زیادت و همچنین در قرائت قرآن پسندیده نمیشد.

| | |
|---|--|
| ك | میان ج و ك |
| ج | مانند ش |
| ص | مانند س |
| ظ | مانند ث |
| ب | مانند ف. « (تا اینجا از سیبویه نقل شد) |

چنانکه ملاحظه شد سیبویه برای زبان عربی تا چهل و دو صد
بیشتر ذکر کرده است ولی مؤلف صبح الاعشی در جلد سوم
شماره صدای عربی را تا چهل و هفت نوشته است. از این
تقریبات واضح است که قاریان اسلامی تا چه اندازه میگویند و اندک
شماره صدای عربی را برای زیاده آهنگ نزدیک صدای اوستا نمایند.
ترتیب کتابهای لغت عربی: خلیل بن احمد در اواسط قرن
دوم هجری کتاب بنام العین در لغت تالیف کرده که اولین سند
کلمات واقعی عربی بوده است. چون از قرن دوم تا چهارم
کلمات بسیاری داخل زبان عربی شد گویا نحویه برای پنهان
داشتن حقیقت آن کتاب مهم را از بین بردند تا کلمات دخیل و معرب
هم عربی جلوه دهند. ترتیب حروف محکم آن کتاب چنانکه در
فهرست این تدیم نوشته شده از قرار ذیل است:

ع ح ه خ غ ق ك ج ش ض ص س ز ط
د ت ظ ذ ث ر ل ن ف ب م و ع ی .

از قرار معلوم کتابهای لغت دیگری هم با ترتیب فوق
وجود داشته و اعتراضات بسیاری راجع به برهم زدن این ترتیب
نیز در کتب قدیمه ملاحظه میشود.

ترتیب حروف سانسکریت : ابوریحان میگوید هندیان سرودهای
دینی خود را مینویند و گمان میکنند خط برای ضبط صدای مقدس ناقص است.
این گفته تا اندازه ای صحیح است زیرا که اطلاعاتی راجع به خط
تجوید در هند در دست نمیباشد.

خلاصه بعد از ترتیب حروف معجم ترتیب حروف سانسکریت
بنای علمی و فنی دارد. حروف مذکور مطابق یکی از تقییمات
حروف در تجوید میباشد و در آن بیشتر مراعات صفات حروف
در نظر گرفته شده است زیرا که چهار حرف از حروف یوگون
و همچنین حروف صفیری که در تجوید فصلی جداگانه دارد در دو
دسته مرتب گردیده بدون اینکه ترتیب کلی حروف با هم مراعات
شده باشد. (۱)

ترتیب ابجدی : ترتیب ابجدی و یا صحیح تر ابو جادی
که اکنون در جهان معمول است ترتیبی غیر علمی و تقلیدی از لغوش
خط میخی آشوری میباشد. این ترتیب با خط عبری مشهور
به آشوری که واضعش برای اغراض مذهبی کوشیده تا آنرا
در اسم و رسم شبیه بخط قدیمی بطوه دهد بعد از قرن دوم میلادی
رواج گرفته است. (۲)

(۱) راجع به قدمت و مقاطع حروف سانسکریت و کلمات
دیواناگری یا نگاری و خورشیدی در رساله جداگانه بحث خواهد شد.
(۲) راجع به تغییر خط عبرانی در قرن دوم و عقاید مسیحیان این
قرن نسبت به حضرت مسیح و تاریخ ژوزیفوس و کتاب الفبای
طبیعی هلمونث در رساله جداگانه بحث خواهد شد.

ترتیب ابتهی : این ترتیب غیر علمی که در آن فقط مراعات شکل
مکتوبی عروف شده از یادگارهای تحصیلات ثنوبیه و خلفای عباسی است .
چگونگی ترویج این ترتیب و تغییر شیوه و مطالب تاریخی مربوط را
در ذیل با کمال اختصار شرح میدهم .

دیوان و خط کوفی

از زمان خلافت عمر تا فرمانداری حجاج بن یوسف یعنی
تا نزدیک هشتاد هجری همه دفاتر دیوان محاسبات کوفه بزبان
فارسی نوشته میشد و اصطلاحات مهم دیوان هم از قبیل
دیوان دفتر فرد سیاق قلم و غیره که تا کنون معمول
است کلمات فارسی میباشند .

قدیمترین سند تاریخی راجع به ترجمه دفاتر دیوان محاسبات
کوفه از فارسی بعربی فتوح البلدان بلاذری است . تفصیلاً
که بلاذری درباره کشته شدن زادان فروخ رئیس دیوان محاسبات
کوفه نوشته نباید همین سادگی باشد زیرا که او را از ثنوبیه
طرفداران عرب می شمارند و بنا بر این در شرح پیش آمد احتمال
طرفداری میرود .

آنچه محقق است اینست که در پیرامون هشتاد هجری
صالح مامی از مردمان سیتان گفته است که میتواند دفترهای
محاسبات را از فارسی بعربی ترجمه کند .

تا زمانی که زادان فروخ رئیس دیوان زنده بوده ترجمه
دفاتر محاسبات از فارسی بعربی انجام نگرفته زیرا که او با
چنین کاری مخالف بوده است ولی پس از کشته شدن

زادان فروغ در راه گذر صالح سیتانی شروع به نقل و ترجمه دفاتر
از فارسی بعربی کرده است.

مردان شاه فرزند زادان فروغ مقتول مبلغ صد هزار دینار
بصالح وعده میدهد که از این کار دست بردارد ولی صالح
سیتانی از او پول را نمی پذیرد.

مردان شاه از صالح می پرسد که در این نقل و ترجمه
دهم و بیستم را چگونه خواهی نوشت. جواب میدهد
مینولیم دهم و بیستم.

باز مردان شاه از صالح می پرسد اند را که اضافات
کسور است چگونه خواهی نوشت. جواب میدهد آنرا هم
خواهم نوشت.

از این گفتگو واضح است که قبل از نقل دفتر فارسی
بعربی برای نوشتن کسور و اضافات طریقه و علامات مخصوصی
بوده که صالح برای سهولت انجام کار چشم از آنها پوشیده است.
خلاصه صالح برای پیشرفت کار قواعد عدد نویسی را
برایم زده است زیرا که در عمل نه تنها تا چهار بنوشتن دهم
و بیستم شده بلکه مجبور شده که ده و صد و هزار را هم با حرف
بنویسد.

این کار صالح مثل اینست که از کسی بپرسم بجای
علامت بعلاوه در جبر چه خواهی گذاشت و او جواب
دهد علامت چه فایده دارد مینولیم بعلاوه یا باضافه.

چون همه دفاتر محاسبانه دیوان کوفه بفارسی بوده آنها را
 با خط دیوانه اماردبیره مینوشتند و صالح هم از همان خط
 که در سراسر کشور مردم به آن آشنائی داشتند استفاده کرده است.
 اگر چه از اماردبیره نمونه ای تاکنون بدست نیافتاده ولی
 از روی قرائن میتوان گفت حروف آن بوضع طبیعی طولانی
 بوده است زیرا تاکنون هم در ایران محاسبین دیوانی را
 در از نویس میگویند.

چون در قرن اخیر علما و تجار عمیقاً ساز مدارک تاریخی
 بسیاری جعل کرده اند که از شیوه و رسم الخط آنها شواهد جعل
 آشکار است لهذا ما در اینجا حروف کوفی دو کتیبه لاهیم و
 ابرقوراکه در کتاب آثار ایران چاپ شده زمینه مقایسه
 قرار میدهم. دو کتیبه مذکور که در اوایل قرن پنجم هجری
 نوشته شده از معتبرترین اسناد قدیمی شیوه خط کوفی
 بشمار میآید.

چنانکه از مطالب بعد واضح خواهد شد بسیاری از
 آثار خط کوفی اصلی را بواسطه شباهت با خط قدیم ایران
 حتی در قرن سوم و چهارم هجری از بین برده اند و برخی
 نمونه های کوفی قرن پنجم هجری نیز بنظر رسیده که در آن
 سعی شده حروف عبرانی را بشیوه کوفی داخل خط کنند.

مقایسه حروف کوفی با اوستا
(از روی کتیبه لاجیم)

| اوستا | کوفی | اوستا | کوفی |
|-------|------|-------|------|
| ا | د | ا | ا |
| ه | س | ه | ه |
| ح | ر | ح | ح |
| س | ب | س | س |
| و | م | و | و |
| ع | و | ع | ع |

ملاحظات:

- ۱- حروف فوق حروف اصلی به نقطه خط کوفی است. برای اطلاعات بیشتری رجوع شود بمقاطع حروف اوستا در آفراین بخش.
- ۲- در پرستی که این ندیم از اماد سوید راجع به ویسپ دیره میکند اماد سوید سیگوید از حروف تراجم در خط عربی وجود دارد. حروف به نقطه ذیل م ک ک ه ه مخصوص اصوات خارجی است و در شرح مقطعیهای الفبای ایران که در آخر این بخش میباشد به آن اشاره شده است.
- ۳- راجع به همزه و غین نیز در شرح مقطعیهای الفبای ایران مختصری بحث شده است.



تغییر ترتیب حروف و شیوه خط

اسم حروف معجم بجای الفبا و ترتیب تجویدی ایران آن
 و شباهت کامل حروف کوفی با حروف اوستا و مخصوصاً شکل
 همزه و الف و نقص خط کوفی از موضوعهای مهم جدال
 شوبیه در قرن سوم و چهارم هجری بوده و عاقبت منتهی به
 برهم زدن ترتیب حروف و تغیر شیوه خط و نحو بسیاری از
 آثار و جعل آثار و احادیث و اخبار شده است.
 از مضمون حدیث ذیل میتوان میزان اشکالات شوبیه
 را در مقابل حقایق تاریخی و اعتراضات مخالفین احساس کرد.
 شیخ ابوالعباس بونی رحمه الله در کتاب لطائف
 فی اسرار الحروف المعلومات^(۱) گوید از ابی زر
 غفاری رضی الله عنه روایت شده که گفت:
 از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم یا رسول الله
 هر سبیری بچه فرستاده میشود؟
 فرمودند با کتاب منزلی.
 گفتم یا رسول الله چه کتابی بر آدم نازل شد؟
 فرمودند اب ت ث ج ... الی آخر.
 گفتم یا رسول الله چند حرف است؟
 فرمودند بیست و نه.
 گفتم یا رسول الله شهابیت و هشت شمردی.
 پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خشمگین شدند

(۱) همچنین در صبح الاعشی جلد سوم چاپ مصر.

چندانکه دو چشمشان سرخ شد و پس فرمودند ای اباذر قسم
بکسی که مرا از روی حق به پیمبری فرستاد خداوند نازل نکرد
بر آدم مگر بیت و نه حرف.

گفتم یا رسول الله در آن الف و لام است ؟
فرمودند لام الف یک حرف است و خداوند نازل
کرد آنرا بر آدم در یک صحیفه ای که با آن هفتاد هزار ملک
بود. کسی که مخالفت کند با لام الف به تحقیق کافر شده است به
آنچه بر آدم نازل شده و کسی که نشمارد لام الف را پس
او از من بیزار است و من از او بیزارم و کسی که ایمان
نداشته باشد که حروف بیت و نه است مکانش از آتش
بیرون نخواهد آمد.

چون همه دانشمندان با تغییر ترتیب حروف بحجم و شیوه خط
مخالف بودند حدیث فوق برای بستن زبان مخالفین جعل شده و
خلفای وقت از روی تعصب در این کار با شجوبه مساعدتهای
بیاری در حکم و جعل آثار کردند.

هر چند خلفا و شجوبه بقوه احادیث و اخبار جعلی
موفق به تغییر ترتیب حروف و شیوه خط کوفی شدند
ولی سألهمز و الف لا یجزل ماند.

در خط کوفی مانند خط اوستا الف یا همزه را این
طور لا مینوشتند که بعد از تغییر شیوه خط لام الف
خوانده میشده. این حرف لا در کلمه الله که در
خط کوفی اینطور لا لله نوشته میشده دوبار بکار رفته
و محو و حک آن به آسانی ممکن نبوده است و بهیچ جهت

در کلیه کتا بهای تجوید و غیره در موضوع این حرف مطالب سببی
 نوشته اند که دلیل بر حیرت مولفین در حل اشکال است ولی
 در الْمُقنع خواهی نخواهی اقرار شده که این حرف در اصل
 شبیه به حرف اعاجم بوده است.

اسامی حروف

تا چهار سال پیش گمان میرفت که نامهای برخی از
 حروف نامهای نقوشی است که از قدیم معمول بوده ولی
 در نتیجه تحقیقات مطالب دیگری روشن شد که به خلاصه
 آن در ذیل اشاره میشود.

در تجوید هر یک از حروف دارای صفاتی از قبیل
 شدت و رخوت میباشد که شرحش با کمال اختصار
 گذشت. برخی از حروف بغیر از صفات تجویدی صفات
 دیگری دارند مانند کاف کوفی کاف سرکج نون کشکولی
 ه دو چشم ه گرده ه گرده
 در اسامی فوق مخصوصاً در دو اسم ه گرده و ه گرده
 ملاحظه میشود که صفتی که به ه و ه اضافه شده صفت مشتاقی
 است و میتوان آنرا صفت تحریری حرف نامید.

اسامی چهار حرف ذیل در یونانی

τὸ μέγα ὀ μικρόν ἠ ψιλόν ἔ ψιλόν

و اسم این حرف در لاتین i-græk واضح است
 که مرکب است از حرف و صفت آن حرف خواه صفت
 تجویدی یا تحریری تصور شود.

همچنین اصطلاح "حروف بزرگ" و "حروف کوچک" در الفبای اروپائی
از اصطلاحات مشتاقی یا تحریری است.

پس از مقدمات فمختر فوق میگوئیم که حروف معجم را به
دسته تقسیم کرده اند: مسروری ملفوظی ملبوبی یا مکتوبی.
حروف مسروری: دسته اول از حروف معجم را مسروری
گویند. معنی این اصطلاح تاکنون برای نگارنده روشن نیست.
اسامی حروف این دسته مرکب است از خود حرف و صدائیکه در
آخر آن برای سهولت تلفظ گذاشته اند: باء تاء حاء
خاء راء طاء "ظاء" فاء هاء یاء .

در الفبای سانکریت نیز اسامی حروف همین طور است.
سیبویه در الکتاب به اضافه کردن صدائی برای سهولت
تلفظ تصریح کرده است. این تصریح اهمیت دارد زیرا که می بینیم
دوازده قرن پیش از چگونگی ساختمان و وجه تسمیه این دسته از
حروف اطلاع داشته اند.

حروف ملفوظی: دسته دوم از حروف معجم را ملفوظی
خوانند و آنها از این قرارند: الف جیم دال ذال سین
شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام .

از معنی اصطلاح مهم "ملفوظی" ظاهراًست که اسامی این
دسته از حروف باید با صفت تلفظی آنها ارتباط داشته باشد.
در عمل هم احتیاج به چنین اصطلاحات فنی پیدا میشود زیرا
چنانکه سیبویه اشاره کرده اگر در قرائت "کاف میانه جیم و کاف" و

(۱) در فارسی این دو حرف را طین و طین بر وزن عین و غین تلفظ میکنند.

"جیم مانند شین" ... و غیره وجود داشته باشد برای فرق و تمیز تلفظ چنین
 حروفی از هم اسامی اصطلاحی مخصوص لازم است -
 نظر این احتیاج در صفات مشاقی حروف نیز دیده شد زیرا که
 اصطلاح "ه گرده" برای تمیز شکل این حرف از "ه دو چشم" وضع شده است.
 خلاصه اسامی این دسته از حروف مرکب است از خود حروف
 و یکی از صفات تلفظی آن و سبب اینکه در کتابهای مفصل تجوید از
 معانی این حروف اسمی برده نشده اینست که صفت چسبیده بحرف
 از کلمات متروک باستانی است و بعد از اسلام کسی از معانی آنها
 اطلاعی نداشته و اگر هم از معانی واقعی آنها اطلاعی داشته اند هنوز بدست ما نرسیده.
 بحث در معانی ترکیبی این حروف با کلیه احتمالات که در چند
 مورد می رود از گنجایش این مختصر بیرونست ولی برای نمونه معنی
 ترکیبی دو حرف را در ذیل می دهیم.

همزه : نکته قابل ملاحظه اینست که نام این حرف در اسامی
 حروف تلفظی که تا کنون بنظر رسیده دیده نشده است و لهذا
 بیشتر این اسم از لحاظ تحریری اصطلاح شده. این اسم مانند
 "ا-مگا" در یونانی که معنی آن "ا-بزرگ" میباشد ساخته
 شده است. $\mu\epsilon\gamma\alpha$ در اوستا و $\mu\epsilon\gamma\alpha$ در یونانی
 از یک ریشه و دارای یک معنی میباشد. از اینقرار معنی ترکیبی
 کلمه همزه "ء یا ه بزرگ" است و شاید در قدیم آنرا اینطور
 $\mu\epsilon\gamma\alpha$ مینوشتند.

الف : این اسم مرکب است از α و یکی از صفات تلفظی
 آن "لف". لف از ریشه آریائی $leip$ * بمعنی "فربه - چربی
 دار - سفیم" میباشد. از این ریشه در هندی باستانی lip و

در یونانی λῑπός و در فارسی لیا آمده است .
 خلاصه زمینه بحث و تحقیق راجع به اشتقاق و معانی اسامی
 حروف اینست و تا آنجا نیکه تحقیق کرده ایم معانی صفاتی که بحروف
 چسبیده اند از قرار ذیل است : چرب یا منخم - سخت - فشرده
 مشدد - بزرگ - بسته . امید است بررسیهای آینده و مقایسه
 میان اصطلاحات تجوید ایران و هندی مطالب مهم دیگری را روشن کند .
 این نکته را نیز در اینجا اضافه میکنیم که اگر در مقابل کلمه مفتوحه
 در کتب تجوید فربه را نگذاشته بودند برای ما پس از چندین قرن
 ممکن نبود به آسانی قبول کنیم که فربهی یا چربی از صفات حروف میباشد .
 حروف ملبوئی یا مکتوئی : دسته سوم از حروف محجم را ملبوئی
 یا مکتوئی گویند و حروف این دسته سه است : میم - نون - واو .
 معنی این اصطلاح روشن نیست و نیز معلوم نیست که آیا
 ملبوئی اصلاً مکتوئی بوده و سرکش کاف افتاده و یا سرکش مکتوئی
 اضافی است و اصلاً ملبوئی بوده است . بعلاوه چون بیشتر اصطلاحات
 تجوید دخیل و معرب است معانی ریشه های آنها هم با معنی اصطلاحی
 آنها در عربی ربطی ندارد و پی بردن به حقیقت چندان آسان نیست .
 در هر صورت با دقت در تجوید بی هیچگونه شک و تردید میتوان پی برد
 که چرا اول و آخر این سه اسم یکی است .

چون نون و میم متحرک مخربشان با نون و میم ساکن
 فرق دارد لهذا هر یک از این دو حرف را در اول و آخر گذاشته اند
 تا اسم شامل هر دو صدا بشود .
 مخرج واو اول و واو آخر دولب است ولی هنگام
 تلفظ واو اول لبها کاملاً جمع میشود و در تلفظ واو آخر کمتر از واو اول .
 این دو قسم واو که تلفظ آنها از هم متمایز است در لهجه های ایران زنده است .

ارقام هندسی یا دیوانی

چون چهار رقم از ارقام هندسی که بر خنی عمداً از روی تعصب
آنها را ارقام هندی خوانده اند با حروف اوستائی ترکیب
می شوند و حروف تازه ای برای قصر و توسط و طول و مد سیانند
لازم است قبل از بحث در مقاطع حروف اوستا مخفّری راجع
به آنها بنویسیم.

ارقام هندسی یا دیوانی که در سراسر جهان بکار میرود
حروف اول اعداد ایرانی از یک تا نه میباشد. صفر از
لغت اوستائی زفر بمعنی حلقه است و یکی از علامات
وقف اوستائی میباشد که گاهی بصورت حلقه و گاهی بصورت
نقطه آراهنیوشتمند.

کلمه *zephyro* بمعنی صفر که با ارقام هندسی
به اروپا رفته از همین کلمه قدیمی زفر گرفته شده است.
بحث مفصل راجع به ارقام و اینکه در زبانها و الفبای مختلف
ایرانی حروف اول هر عدد چگونه نوشته میشده از گنجایش این رساله بیرونست.
در جدول صفحه مقابل ستون اول و دوم مخصوص نام اعداد بخط
اوستا و پهلوی است ولی در ستون سوم فقط حروف اول نام اعداد
بشیوه های مختلف خطوط ایرانی داده شده است.

برای مثال میگوئیم در خط سعدی هفت را اینطور نوشتند
که حرف اول آن در تاریخ پیداشدن ارقام اهمیت
دارد.

| ارقام اروپا | ارقام کنونی | ارقام فارسی | ارقام سنی | ارقام فارسی | ارقام فارسی | عدد بحروف یا حرف اول آن | نام اعداد | نام اعداد |
|-------------|-------------|-------------|-----------|-------------|-------------|-------------------------|-----------|-----------|
| 1 | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| 2 | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| 3 | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ |
| 4 | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ |
| 5 | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ |
| 6 | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ |
| 7 | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ |
| 8 | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ |
| 9 | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ |



ارقام عربی

ارقام سیاق عربی تقلید ناقصی از ارقام هندی ایران است. چون در عربی اول اعداد اثنان و اربع همزه و اول اعداد ثلاث و ثمان و تسع این حرف به نقطه و اول اعداد ست و سبع است و واضح ارقام عربی نتوانسته از ارقام ایران تقلید کامل کند و برای هر عددی حرفی قرار دهد بلکه مجبور شده برای رقم اربع چ چهار را که اینطور ل نوشته می‌شده معکوس کند و اینطور بنویسد ل. و همچنین برای دو رقم سبع و ثمان ارقام ایرانی هفت و هشت را بکار برده و برای رقم تسع حروف تا و عین را ترکیب کرده است. و نیز چون صفر بکار نبرده مجبور شده که ده و صد و هزار را با حروف بنویسد.

| | | | |
|-------|---|------|------|
| واحد | ۱ | سبع | ۷ |
| اثنان | ۲ | ثمان | ۸ |
| ثلاث | ۳ | تسع | ۹ |
| اربع | ۴ | عشره | ۱۰ |
| خمیس | ۵ | مأه | ۱۰۰ |
| ست | ۶ | الف | ۱۰۰۰ |

مقطعه‌های اصلی حروف الفبای ایران

برای بخت در مقطعه‌های حروف الفبای ایران باید راه عملی پیش گرفت زیرا با مراجعه بدارک مشکوک و نصوص تاریخی که از روی عدم اطلاع یا اغراض یا افاننه یا شایعات افوایی نوشته شده نتیجه بدست نخواهد آمد.

تنها راه عملی اینست اشخاصیکه از تجوید رسم و تشریح دعان اطلاع کامل داشته باشند کلیه مقطعه‌های ممکنه طبیعی و گشته و نیم‌گشته را رسم کنند و بعد آنها را بکودکانی بدهند که تند بنویسند و نتیجه را با اصل مقایسه نمایند. چنین آزمایش و مقایسه‌ای از سالهای دراز کار و کوشش در راه کشف حقیقت ساختمان حروف بهتر است زیرا کودکانی که هنوز دستان برای نوشتن محکم نیست اشکالی از حروف رسم نخواهند کرد که رسم آنها برای کسی که از موضوع اطلاع دارد با هزاران شک و تردید ممکن نمیشود. مخصوصاً باید توجه خاصی به مقطعه‌های گشته کرد زیرا در تاریخ خط ملاحظه شد که در قدیم مقطع گشته و نیم‌گشته هر دو وجود داشته است.

اشکالی را که در ذیل میان دو قلاب [] رسم میکنیم در حروف الفبای ایران که تا کنون بدست ما افتاده دیده نشده و فقط برای نشان دادن وضع طبیعی حروف رسم میکنیم.

ب ب پ

این دو حرف مخرجشان لب است. در حروف الفبای ایران مقطع های ذیل از لب یافت میشود که همه ب یا پ تلفظ میشوند:

ب ب پ پ پ پ

| | | | | | |
|---|---|-----|-----|-----|-----------------|
| ب | پ | [ب] | [پ] | [ب] | وضع طبیعی |
| ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | گشته و نیم گشته |
| ۷ | ۶ | | ۹ | ۴ | |

ملاحظه: یکی از مخارج م لب است. لهذا اشکال ذیل نیز برای م دیده میشود که همه مقطعیهای گشته لب بالاست:

| | | | | |
|-----|-----|-----|-----|-----------------|
| [م] | [م] | [م] | [م] | وضع طبیعی |
| د | ۶ | ۶ | ۶ | گشته و نیم گشته |
| | | | ۴ | |

ن م

یکی از مخرجهای این دو حرف بینی است که آنرا غیشوم گویند. در حروف الفبای ایران مقطعیهای ذیل از بینی برای این دو حرف دیده میشود:

ن م م م م م

ل ر ن

مخرج این سه حرف زبانت در حالتیکه سر آن بسوی بالا



کج شده باشد. مقطع زبان که بسوی بالا کج شده باشد از نمرخ
چپ در است این است : — —
حروف ذیل در الفبای ایران برای این سه حرف یافت میشود:

وضع طبیعی — —

گشته ال ا ل ل ط

ملاحظه: چون مخرج ل از کنار زبان است این شکل ط
که در کنار زبان علامت گذاشته شده اهمیت دارد.
(در آزمایشهایی که چند ساله گذشته برای بدست آوردن شکل
حروف شد یک پسر پانزده ساله روستائی این شکل را ح
برای مقطع لام کشید که گشته آن عیناً در الفبای پهلوی موجود است)

۲ چ
این حرف مقطع گشته زبان و کام است. }
حرف

این حرف در هنگام تند نویسی به صورت های ذیل نوشته میشود:

۲ ۲ ۲ ۲

ملاحظه: چون صدای ی تلفظ های مختلف دارد لهذا
حروف چندی برای این صدا در الفبای ایران دیده میشود.
صدای ی ش چ ج در مخرج متحدند و لهذا مقطع های
آنها هم شبیه هم میباشند.

ح ی

این حرف مانند مقطع بالا است ولی از نمرخ معکوس گرفته شده.
در تجوید تصریح شده که هنگام تلفظ این صدا زبان از کام دورتر میباشد و
این حقیقت از شکل این حرف در خطوط قدیم ظاهر است.

سطح زبان که آنرا در تجوید شجر میگویند و مقطعش دو شکل
 ذیل است C D در تلفظ چندین حرف در خط اوستا
 و کوفی و دیواناگری (سانکریت) دخالت دارد.
 C این شکل در اوستا و کوفی ی است.
 D این دو شکل در خط کوفی ص ض ط ظ میباشد.
 U این شکل نون زبان در خط دیواناگری است.

و ق

این حرف مقطع گشته ملازه و بن زبانست. Q
 صدای مقطع فوق مانند تلفظ قاف در جنوب ایران است که
 صدائیت میان قاف و خاء و کاف. بهین سبب
 ریشه های اوستا که دارای این حرف میباشد در زبانهای
 ایران بصورت ق یا خ یا ک درآمده اند. مثلاً
 و د در فارسی بصورت کندن و خندق و قنات درآمده است.

ش

این حرف مرکب است از مقطع نیم رخ یک دندان و مقطع
 کام و زبان.

مقطع نیم رخ یک دندان D

مقطع گشته کام و زبان U

ترکیب این دو مقطع Ch

اگر این شکل مرکب را صد و هشتاد درجه بچرخانیم به اینصورت Ch
 درمی آید که در الفبای اروپائی ش یا چ خوانده میشود.

ملاحظه: صدای کش را ممکنست از سر زبان و وسط آن با دندانهای گشاده و بسته خفیف و شدید ادا کرد و لهذا حروف مختلف ذیل در الفبای ایران یافت میشود که در بر سهیای دقیقتری در تجوید اهمیت دارد:

س ۳ ۴ ۵ ۶

۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

در تجوید آمده که مخرج این صدا دندانهای صفت پائین و سر زبان است بطوریکه میان زبان و دندان کشادگی باشد.

- ۱۳ مقطع نیمرخ دندان زیرین
- ۱۴ مقطع سر زبان که بسوی پائین گج شده
- ۱۵ مقطع مرکب
- ۱۶ معکوس این شکل

۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲


این حرف معکوس و گشته مقطع مرکب بالا است که در نتیجه تحقیقات دقیق تر عما معلوم گردید. این حرف که در لاتین گاهی س و گاهی ژ تلفظ میشود از قرن دوم میلادی به بعد در آن الفبا معمول شده است.

۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸

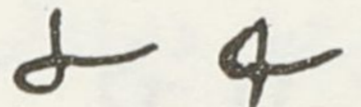
شکل این حرف مرکب است. مقطع یک دندان از روبرو: ۲۳
مقطع سر زبان: ۲۴ ترکیب این دو مقطع: ۲۵
شکل گشته مقطع: ۲۶ شکل معکوس این مقطع: ۲۷
حرف d کوچک لاتین که از قرن نهم میلادی داخل الفبای

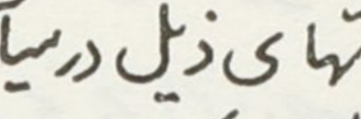
اروپا شده از این مقطع مرکب گرفته شده است.

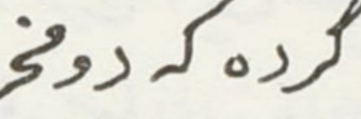

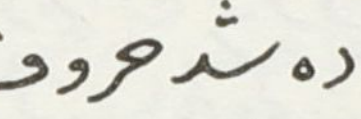
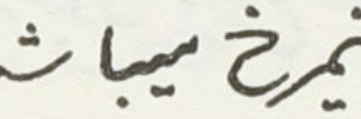
م ت

این حرف مقطع مرکب نیمرخ زبان و یک دندان است.
وضع طبیعی مقطع این است: 

ملاحظه: کودکان این حرف را در آزمایشهای تند نویسی به

سه صورت ذیل نوشتند: 

اگر این حروف را بچرخانیم بصورتهای ذیل دربیاید: 


از اینجا مشابَهت   و   که دو خروج مختلف دارند واضح میشود.


بموجب شرحی که در تجوید داده شد حروف ذیل مقطعی
مرکب و گشته زبان و دندان از نیمرخ میباشند:


۲ ف ه و

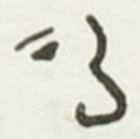
فا و (فارسی)


شکل این حرف مقطع گشته و مرکب دندان و لب زیرین است.

مقطع یک دندان از نیمرخ 

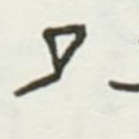
مقطع لب زیرین از نیمرخ 

ترکیب دو مقطع 

با این شکل واو هم که در نسخه های خطی 

دیده میشود نیز مرکب است از دندان و بیرون 

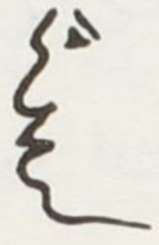
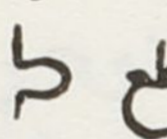
لب که متصل بچانه میشود.

در خطوط قدیم هم تلفظ واقعی این حرف  و میباشد نه ب.

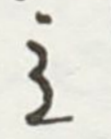
ل ف

این حرف هم معکوس حرف واو است و با آن از یک
مخرج ادا میشود.

ح و (عربی)

این صدا از برهم نشستن دو لب بیرون می آید. 
ملاحظه: در تلفظ واو اول لبها کاملاً جمع میشود و
در تلفظ واو آخر لبها کمتر جمع میشود و لهذا مقطع واو آخر که
دو شکل از آن در عروف دیده میشود در ضمن شرح مقطع  داده خواهد شد.
حرف ایگای یونانی ω نیز گشته این مقطع است.

ه همزه یعنی ه بزرگ

همزه اولین صدائیت که از جهت نشش بیرون
می آید و این صدای بریده نزدیک به صدای ه و ا می باشد.
همچنین مخرج صدای غین فارسی طهران و اطراف نزدیک
باین صداست و لهذا در خطوط قدیم ایران شکل حرف آن
معکوس شکل حرف همزه است: 
در الفبای دیواناگری (سانسکرت) نیز شکل غین شبیه به همزه است.
ملاحظه: مقطعیهای عروف مصوتة اوستا ا مانند سایر عروف اوستا
که تا اینجا شرح داده شد واضح است ولی مقدار طول هر صدا
و تبدیل آنها بهم هنگام قرائت بطوریکه در مباحث تصرود
و اماله مشروح است موضوعی کاملاً فنی و عملی و مشکل تفصیله
از گنجایش این رساله بیرونست.

۱. ۴

این حرف مقطع هلال ته گلو و زبان کوچک است. وضع
طبیعی این مقطع این است: ۸. در قدیمترین آثار
خط فنیقی این مقطع با وضع طبیعی داده شده است.

د ا

این حرف مقطع ته گلو از نیم رخ است. وضع
طبیعی حرف در شکل مقابل نموده شده. این
شکل در تند نویسی به این شکل در می آید: ۹. چون مخرج
این حرف با الف نزدیک است شرح راجع به الف باید نیز
کاملاً در نظر گرفته شود.

۳ ا

این حرف مقطع گشادگی دلب است هنگام
ادای صدای ا. چون کمی از خمیدگی مقطع
بینی و لب بالا در این مقطع رسم شده صدای
این ا دماغی است و چنین صدای در آوازها از خوانندگان
شنیده میشود.

ک ک

این دو حرف واو آخر هم که در تلفظ نزدیک به ط
میباشد از روی مقطع فوق گرفته شده است.
امکای یونانی ۱۰ نیز گشته این مقطع است.

اقسام الف در خط اوستا

مخرج الف بموجب تجوید تابع حرفیت که پیش از آن می آید.
 پس اگر حرف قبل از الف لبی باشد مخرج الف گشادگی
 دولب و اگر حرف قبل از الف جوفی باشد مخرج الف هوای
 دندان و اگر حرف قبل از الف حلقی باشد مخرج آن گلو می باشد.
 همچنین در هنگام قرائت با آواز و کشیدن الفها صدا از
 بینی و دندان هر دو خارج می شود که صدای شبیه به نون است.

۱. آلی

شکل این حرف مقطع دولب است و
 خطی که در کنار زاویه مقطع دیده می شود رقم یک
 و علامت قصر است.

ترکیبات این مقطع با ارقام دو سه و چهار برای
 صدای توسط و طول و مد که شرح آن در تجوید آمده و
 بعد از اسلام با انگشت حساب می کردند از قرار ذیل است:

۱ ۲ ۳

در حروف الفبای بعد از اسلام گشته و نیم گشته این
 حرف بصورت های ذیل دیده می شود: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵
 در خط برهمی و همچنین در خطوط پهلوی علامت قصر
 که رقم یک است درست در زاویه مقطع حرف قرار دارد
 ولی در خطوط قدیمی قبضتی علامت مذکور کم کم جای خود را
 تغییر داده و مقطع را قطع کرده است:

۱ ۲ ۳

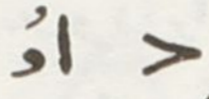
لا آجونی

شکل این حروف مقطوع زبان و کام است که فضای ح در آن نشان میدهد. اشکال ذیل از این الف در الفبای ایران دیده میشود: ح ح ح .
 چون صدای این الف نزدیک به الف لبی است ترکیبات آن با ارقام هندی دیده نشده است و شاید تحقیقات آئینه مطالب دیگری را روشن کند.

این شکل مقطوع طبیعی حلق و زبان و کام است و ح یکی از مقطوعهای مهم است. حروف بسیاری در الفبای ایران و غیره از این مقطوع گرفته شده. الفهای حلقی ذیل با علامات توسط و طول و شاید در نسخه های قدیم اوستا یافت میشود: ح ح ح

این اشکال ه در خطوط بعد از اسلام از مقطوع بالا گرفته شده زیرا که قریب المخرج میباشد.
 عین و عین وسط ح در خطوط بعد از اسلام و همچنین در الفبای سحر و جادو از مقطوع فوق است.
 این حرف ح که از قرن دوم میلادی در خط لاتین پیدا شده ح ملازی شبیه به صدای غ فارسی است.
 این حرف ح که در یونان و روسی ح تلفظ میشود ح ملازیت و از همین مخرج گرفته شده.

این اشکال آلفا α در خطوط قدیم و جدید نیز از این
مقطع گرفته شده است.

این حرف مقطع خشکی دولب است و چون  شکل این حرف شبیه است بمقطع α آ تشخیص
ترکیبات این حرف با ارقام هندی برای قصر و توسط و طول و
مد کاری فنی است که باید در عمل معین شود. در هر صورت
دو شکل ذیل دو حالت اختلاس و قصر را نشان میدهد: $\alpha >$.

ای

این حرف مقطع فاصله میان زبان و کام است هنگام
تلفظ ای. شکل مقطع گشته این حرف اینست: α .
چون صدای دیگری برای زیبایی آهنگ در هنگام قرائت
به این صدا تبدیل میگردد لهذا از اختلاس تا مد که پنج مقام
مختلف این صدای مهم است در میان حروف اوستادیده میشود:

α α α α

حروف فوق در تندنویسی بصورت های ذیل درآمده:

α α α α

~~~~~

## ولیسپ دبیره

در ابتدای بخش دوم ملاحظه شد که ایرانیان در قدیم الفبای داشته‌اند که آنرا ویسپ دبیره مینامیدند و دارای سیصد و شصت و پنج حرف بوده و با چنین الفبای زبانهای امم دیگر امینوشته‌اند.

این ندیم راجع به این الفبا از امام موبد پرسیده و امام موبد بهم نه تنها وجود آنرا تصدیق کرده است بلکه گفته در خط عربی هم از حروف تراجم این الفبا هست.

اگر چه از ویسپ دبیره مستقیماً اثری در دست نیت ولی برخی از حروف آنرا در الفبای سحر و جادو که نمونه های چندی از آن در دست است میتوان یافت.

بعلاوه با اصول علم تجوید و رسم دقیق مقطعه‌ها و بکار بردن چند علامت میتوان از نو ویسپ دبیره ای ساخت که صدای مختلف هر زبان و لهجای را بتوان با آن ضبط کرد. اینک نمونه ای از چنین الفبای جهانی را با کمال اختصار در ذیل شرح میدهم.

هنگام ادای صدای آ در فارسی زبان چندان دخالتی ندارد. قطع نظر از کشیدگی و کوتاهی برای ضبط اختلاف صدای میتوان اقلاً سه شکل مختلف رسم کرد:  $\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$ .

در لهجه ما زنده‌ان هنگام ادای این صدا کمی لبها جمع میشود و برای نشان دادن اختلاف نیز اقلاً سه قسم آ میتوان رسم کرد:  $\text{A} \quad \text{A} \quad \text{A}$ .

اگر هنگام ادای شش قسم آ که شرح آن در بالا گذشت بن زبان بسوی ملاذه بیل کند صدایشیکه بگوش میرسد

تغییر خواهد کرد و در این حالت میتوان مقطع بن زبان را در رسم  
اضافه کرد :

ا ا ا ا ا

اگر هنگام ادای آ سر زبان بوی بالامیل کدر مقطع  
زبان را در پائین حرف رسم میکنیم :

. ا ا ا ا ا

اختلاف صدای یاء در لهجه‌ها بواسطه راستی و کجی زبان  
است. در فارسی هنگام ادای این حرف زبان تقریباً راست است  
و در برخی زبانها کج میشود. برای نشان دادن اختلاف صدای  
یاء میتوان چند حرف مختلف رسم کرد :

۲ ۲ ۱ ۱

هنگام ادای کاف نقطه‌های مختلفی از سطح زبان به طرازه  
و کام می‌چسبند. تغییرات این صداها را میتوان با حروف ذیل  
نشان داد :

. ۹ ک ک ک ک

با کاف‌های فوق میتوان تمام تلفظ‌های کاف را  
از شمال تا جنوب ایران و غیره نشان داد.

~~~~~

الفبا در اروپا

خلاصه مقالات و رساله ها و کتابها نیکه راجع به الفبا در سه چهار
قرن گذشته نوشته اند اینست که چگونه ساختن حروف و کثوری
که نخت در آنجا الفبا ساخته شده معلوم نیت .

در میان کلیه حدسیات و نظریاتیکه تا کنون در این زمینه اظهار
شده چند نظریه قابل توجه و دقت است که بشرح هر یک در ذیل
جداگانه بسپرد ازیم .

(۱) در قرن هفدهم میلادی هلمونت نامی در هلند کتابی
بلا تین بنام الفبای طبیعی نوشته و در آن گفته که الفبا در همت
و از روی دماغ ساخته شده است .

تنها مطلبی که از کتاب مذکور قابل توجه و دقت است موضوع
ساختن الفبا از روی دماغ است زیرا که معلوم میشود در چهار قرن
پیش شایعات یا مدارکی راجع به این موضوع مهم وجود داشته است .
بنظر نگارنده هلمونت یا بزبان عربی و فارسی آشنائی داشته
و یا همگیان او از مشرق چنین اطلاع همی را به ارسخان برای او برده اند .
در هر حال ما کاری باین نداریم که هلمونت در کتابهای عربی و عبری چنین
اطلاعی را خوانده و یا افواغ شنیده باشد ولی آنچه از کتاب و اشکال
آن واضح و محقق میباشد او از اصول علم تجوید و مقاطع و مخارج
و صفات حروف بکلی اطلاع بوده و لهذا در اثبات نظریه ارتباط
شکل حرف با صدا و مخصوصاً تطبیق آن با حروف عبری تا جز ملذمه
و همین جهت در مدت چهار قرن گذشته کتاب الفبای طبیعی او
مورد قبول محققین واقع نگردیده است .

برای نمونه چهار شکل از اشکال کتاب هلمونت را در صفحه مقابل میبینیم .



ALPHABETUM NATVRAE نقل از کتاب

که در ۱۶۶۷ بچاپ رسید.



این شخص خیال اینکه باید همه حروف را از درون دماغ رسم کرد لب و دندان و گلو... را در رسم حروف دخالت نداده است. مثلاً ب پ م که هر سه حرف لبی هستند اشکال آنها را گوشیده تا از درون دماغ رسم کند و نیز معلوم نیت که الف تصویری او چه صدائی از صدائهای مختلف الف را دارد.

(۲) تولیو *Tullio* میگوید چون نظریاتی را که تاکنون راجع به الفبا اظهار کرده اند نمیتوان به شک و تردید پذیرفت لهذا احتمال دارد که حروف الفبا در نتیجه تأثیر صدا در گوش و حرکت دست پیدا شده باشد. این دانشمندی پس از آزمایشهای دقیق روی گوش خرگوش و بکار بردن عکاسی با برق موفق به پیدا کردن یازده حرف ذیل گردید:

| | | | |
|----|---|----------------|----|
| ای | / | o | اُ |
| او | ∪ | o ₁ | آ |
| ن | ∩ | l | س |
| پ | ∩ | ∩ | ک |

خلاصه تحقیقات فنی تولیو در سال ۱۹۳۱ انتشار یافته است و ما آنرا در مقاله جداگانه ای چاپ خواهیم کرد.

(۳) تازه ترین نظریه راجع به الفبا اینست که از روی خط برهمنی که موطن آن مشرق ایران قدیم میباشد گرفته شده است. در چاپ چهاردهم دائرة المعارف بریتانیا فقط در یک جمله اشاره به این نظریه شده و چون مدارک و نوشته‌جاتی درباره این نظریه در دست نداریم بیش از اشاره به آن نمیتوانیم اظهار نظری بکنیم.

عقیده عمده ای از محققین اینست که الفبا از فنیقیها گرفته شده است. در این عقیده نیز شک و تردید دیگری راه ندارد و آن اینست که در زبان یونانی آیا فنیقی یک قوم معینی میباشد و یا اینکه هر اجنبی را یونانیان فنیقی میگفتند؟ در هر صورت اگر این داستان حقیقت تاریخی داشته باشد چون فنیقیها از خلیج فارس بجای دیگر مهاجرت کرده اند ممکنست حروف این الفبا را از ناحیه جنوب ایران همراه خود برده باشند. پیش از شرح مقطعه‌های حروف الفبای فنیقی تذکر نکات ذیل را لازم میدانیم.

یکی از نکاتی که برای محققین اسباب اشکال فراهم کرده تلفظ واقعی حروف یونانی و فنیقی است. با وجودیکه یونانی زبانی زنده و آثار بسیاری از زبان قدیم آن در دست است بقدری در مورد تلفظ حروف اختلاف وجود دارد که می‌باید به تلفظ واقعی آنها تقریباً مجال است. در صورتیکه راجع به تلفظ واقعی حروف یونانی چنین اختلافی وجود داشته باشد واضح است که راجع به تلفظ واقعی حروف فنیقی که زبانی مرده است چه اشکالاتی وجود خواهد داشت.

بعلاوه چون الفبای فنیقی ناقص است معلوم میشود که فنیقیها
از سر ساختمان حروف اطلاعی نداشته اند و بهیچوقت موفق به تکمیل
الفبا برای زبان خود نشدند.

در هر صورت چنانکه در مورد حروف اوستا اشاره کردیم تنها
راه عملی برای کشف تلفظ واقعی حروف قدیم اینست که مقاطع
حروف را از خارج رسم کنیم و کودکانی آنها را تند بنویسند و نتیجه
این آزمایش با حروف قدیم (در این مورد با حروف فنیقی)
مقایسه شود.

نتیجه چنین آزمایش نه تنها ساختمان حروف را
روشن میکند بلکه میتوانیم به تلفظ واقعی حروف در قدیم پی ببریم.

مقطعهای حروف فنیقی

| تلفظ تصویری اروپائی | شرح مقطع | وضع طبیعی | حروف فنیقی |
|------------------------|---|-----------|------------|
| a | مقطع دولب و علامت قصر در کنار مقطع و تلفظ واقعی آن آ میباشد. | K | K |
| b, bh | دندان و بیرون لب زیرین و تلفظ واقعی این حرف واو فارسی است. | g | g |
| g, gh | گلو و فرخنده و تلفظ واقعی این حرف غین فارسی است. | g | g |
| d, dh | سر زبان. | Δ | Δ |
| h, e | هلال ته گلو و زبان کوچک. | h | h |
| u, v, w | خشکی لب و علامت قصر. | u | u |

| تلفظ تصویری اروپائی | شرح مقطع | وضع طبیعی | حروف صفتی |
|------------------------|---|-----------|-----------|
| z | دو دندان از روبرو. | ⌈ | I |
| h | هلال ته گلو و زبان کوچک و زبان از روبرو. | ⌈ | ⊠ |
| th | زبان و دندانهای بالا و پائین که زبانرا قطع کرده در حالت تلفظ ث ع و ج. (دائره ای که گرد مقطع کشیده شده شاید برای تمیز از علامت ت بوده.) | + | ⊕ |
| i, y | ته گلو و خرخره از نیمرخ. | ⌈ | ⌈ |
| k | زبان کج شده زیر کام. | ⌈ | ⌈ |
| ç | زبان که سرش بسوی بالا کج شده است. | ⌈ | ⌈ |
| m | دو سوراخ نمایان بینی که در تند نویسی باین صورت در میآید. | ⌈ | ⌈ |
| n | زبان و کام و خیشوم. | ⌈ | ⌈ |
| x, s | دندانهای ثنایا بالا و پائین از روبرو. | ⌈ | ⌈ |
| σ | سوراخ میان دو لب هنگام تلفظ ا. | o | o |
| p, ph | لب بالا از نیمرخ. | ⌈ | ⌈ |
| ts | دو دندان از روبرو ولی رو به برشته تلفظ این مقطع معلوم نیست. | ⌈ | ⌈ |
| kh | بن زبان و طلازه. | ⌈ | ⌈ |
| r | بن زبان و طلازه. | ⌈ | ⌈ |
| sh | دو دندان ثنایای بالا. | ⌈ | ⌈ |
| t | دندانهای بالا و پائین که زبانرا قطع کرده اند. | + | + |

ملاحظات :

(۱) الفبای لیدی مقطع هایش درست تر و واضح تر از الفبای فنیقی است و لهذا بنظر نگارنده الفبای یونانی اصلاً از روی الفبای لیدی گرفته شده است .

(۲) دسته‌ای از محققین را عقیده اینست که اصل الفبای جهان از جزیره کریت و از آنجا به فلسطین و فنیقیه منتقل شده است .

(۳) برای اینکه فقط چند حرفی از الفبای قدیم به نقوش مهری در شکل شبیه است برضی اصل الفبا را از مصر تصور کرده اند با این طریقه اگر حروف هر الفبائی را با اشکال نقوش بیشتر چینی که در آن کشورها در تلفظ های مختلف دارد مقایسه کنیم بهتر میتوان اثبات کرد که همه الفبای از روی نقوش چینی گرفته شده است .

(۴) راجع به اینکه الفبای گرجی و ارمنی از روی الفبای ایران گرفته شده کتاب و مقالات بزبانهای اروپائی نوشته شده است .

راجع به الفبای اقوام سلاو که احداث آنرا به سوزل در قرن نهم میلادی نسبت میدهند باید تحقیقات بیشتری بشود . الفبای مذکور از الفبای کامل جهان و مقاطع حروف آن صحیح و فنی است و مخصوصاً حروف ذیل بدون تغییر شکل زیاد از الفبای ایران در آن وجود دارد : ۴ W لا ۵

احتمال دارد اقوام سلاو مدتی پیش از قرن نهم میلادی دارای این الفبا بوده اند.

(۵) اُمم غیر آریائی که در مغرب و مشرق ایران قدیم زندگی می‌کردند یکی بواسطه نداشتن یا کوتاهی حروف مصوتة و دیگری بواسطه نداشتن حروف مصوتة بسیار در تکلم نمیتوانسته اند بچگونگی تشکیل صداهای در دهان پی ببرند.

این مسأله کاملاً فنی است و تحقیقات فنی عملی محلی آنرا ثابت خواهد کرد. مثلاً کلمه قُرب را اُمم سامی بدوی طوری تلفظ میکنند که ق و ر ب بهم می‌چسبند و هر سه صدا مانند یک صدای بگوش میرسد زیرا حروف مصوتة بلندی که سه صدای را درست از هم جدا کند در لهجۀ ای بدوی آن اقوام وجود ندارد. از اینقرار در هنگام تلفظ تشخیص مخارج حروف و رسم مقطعها برای آنها ممکن نبوده و چنانکه ملاحظه میشود در تمام الفبای سامی دستگاه حروف مصوتة کامل وجود نداشته است.

بمچنین وجود حروف مصوتة کوتاه و بلند بسیار در زبانهای چینی مانع از پی بردن به رسم مقطع برای حرف شده است و لهذا ایشان ناچار شده اند که برای ترکیبات چند صدا که مانند یک صدای بگوش میرسد نقش جداگانه ای رسم کنند.

(۶) جدولها نیکه در مقالات و کتابهای راجع به الفبا چاپ کرده اند گمراه کننده است زیرا حروفی را که برای مقایسه در مقابل هم قرار داده اند از روی حدس و برای اثبات نظریات

خود بوده است بدون اینکه تلفظ واقعی حروف را در نظر گرفته باشند. مثلاً درجه ولها این حرف صابی را h در مقابل کاف گذاشته اند. همل Hommel میگوید اگر کاف بمعنی کف دست باشد شکل صابی کاف به کف دست از شکل فنیقی K بحقیقت نزدیکتر است.

این حدس درست نیست زیرا در لهجه صابی تلفظ کاف وجود نداشته بلکه اءالی این ناحیه تاکنون کاف را چ تلفظ میکنند و لهذا شکل حرف صابی و فنیقی هر یک بجای خود درست است.

باری برای بی بردن به تلفظ واقعی حروف الفبای قدیم باید با در نظر گرفتن مقطع حرف تحقیقات محلی هم کرد زیرا چنانکه در لهجه های مختلف یک زبان حرفی به حرفی تبدیل میشوند در الفبای هم م-ب-و-د-ک-ت-س-ش-ز-ف-پ-و که اشکال مقطع های آنها بهم نزدیک است بجای هم بکار رفته اند.

~~~~~



## پایان

پس از اینکه ایرانیان بطریقه ساختن کلمات برای ادای مقاصد خود از راه ترکیب و مضاعف کردن ریشه‌های کوتاه و الحاق پیشوند و پسوند و تغییر و تبدیل حروف بیکدیگر پی بردند فکروزبان و نثر و شعر در میان ایشان ترقی فوق‌العاده کرد .

برای ادای کلمات مقدس و سرودهای مذهبی با تلفظ صحیح احتیاج بعلم تجوید پیدا شده است .

ترقی علم تجوید قاریان سرودهای مقدس را به مخارج حروف و امکان رسم مقاطع آشنا کرده و در نتیجه الفباها و حروف بشمارای برای ضبط صداها و حتی آهنگهای گوناگون بوجود آمده است .

شاید اولین الفبای دینی که در ایران حروفش رسم شده بیش از چهار هزار سال قدمت داشته باشد .

در هر صورت تا کنون از علم تجوید برای آموزش کودکان و سالمندان بیسواد استفاده نشده است .

استفاده از علم تجوید و مقاطع طبیعی حروف برای آموزش کودکان ابتدا بنظر عجیب می آید و تا کسی در عمل نبیند که کودکان از این راه میتوانند در دقائق کمی خواندن را بیاموزند نمیتواند باسانی امکان آنرا باور کند .

## فهرست راهنمای نامها

|                |                    |                |                     |
|----------------|--------------------|----------------|---------------------|
|                | زردشت پور آذر خور  | ۴۹، ۴۸         | آدم                 |
| ۲۴             | (محمد متو کلی)     | ۴۹، ۴۸         | اباذر غفاری         |
| ۴۳             | ژزیفوس             | ۳۸             | ابن کثیر            |
| ۵۱، ۴۲، ۴۱     | سیبویه             | ۶۸، ۴۷، ۴۲، ۲۴ | ابن ندیم            |
| ۶۶             | سوریل              | ۴۸             | ابوالعباس بونی      |
| ۲۴             | شلمقانی            | ۲۳ (محمد موبد) | ابو جعفر متو کلی    |
| ۴۵، ۴۴         | صالح سیستانی       | ۴۳             | ابوریحان بیرونی     |
| ۲۴             | عبدالله بن مقفع    | ۳۹             | اگوستین             |
| ۴۴             | عمر (خلیفه)        | ۶۸، ۴۷، ۲۵     | اماد موبد           |
| ۲۳ (محمد موبد) | (ابو جعفر متو کلی) | ۴۴             | بلاذری              |
| ۴۵             | مردانشاه           | ۳۸             | بهمن بن فیروز کسائی |
| ۲۲، ۲۰         | مسعودی             | ۷۲             | تولیو               |
| ۴۳             | مسیح               | ۴۴، ۲۸، ۲۷     | حجاج بن یوسف        |
| ۷۰، ۴۳         | هلمونت             | ۲۲             | حمزه اصفهانی        |
| ۷۸             | همل                | ۴۲             | خلیل بن احمد        |
| ۲۸             | یوسف (سوره)        | ۴۵ ۴۴          | زادان فرخ           |
|                |                    | ۲۲، ۲۰         | زردشت               |



# گنجینه زبان، فرهنگ و ادب کهن ایران

ULB Halle  
009 151 699

3



سازمان انتشارات فروهر

سازمان انتشارات فروهر

تهران - خیابان انقلاب - اول فلسطین جنوبی

شماره ۶ - تلفن ۶۶۲۷۰۴

بها : ۲۰۰ تومان

به رستم معاونت  
رات فروهر انجام شد

ایران کوده

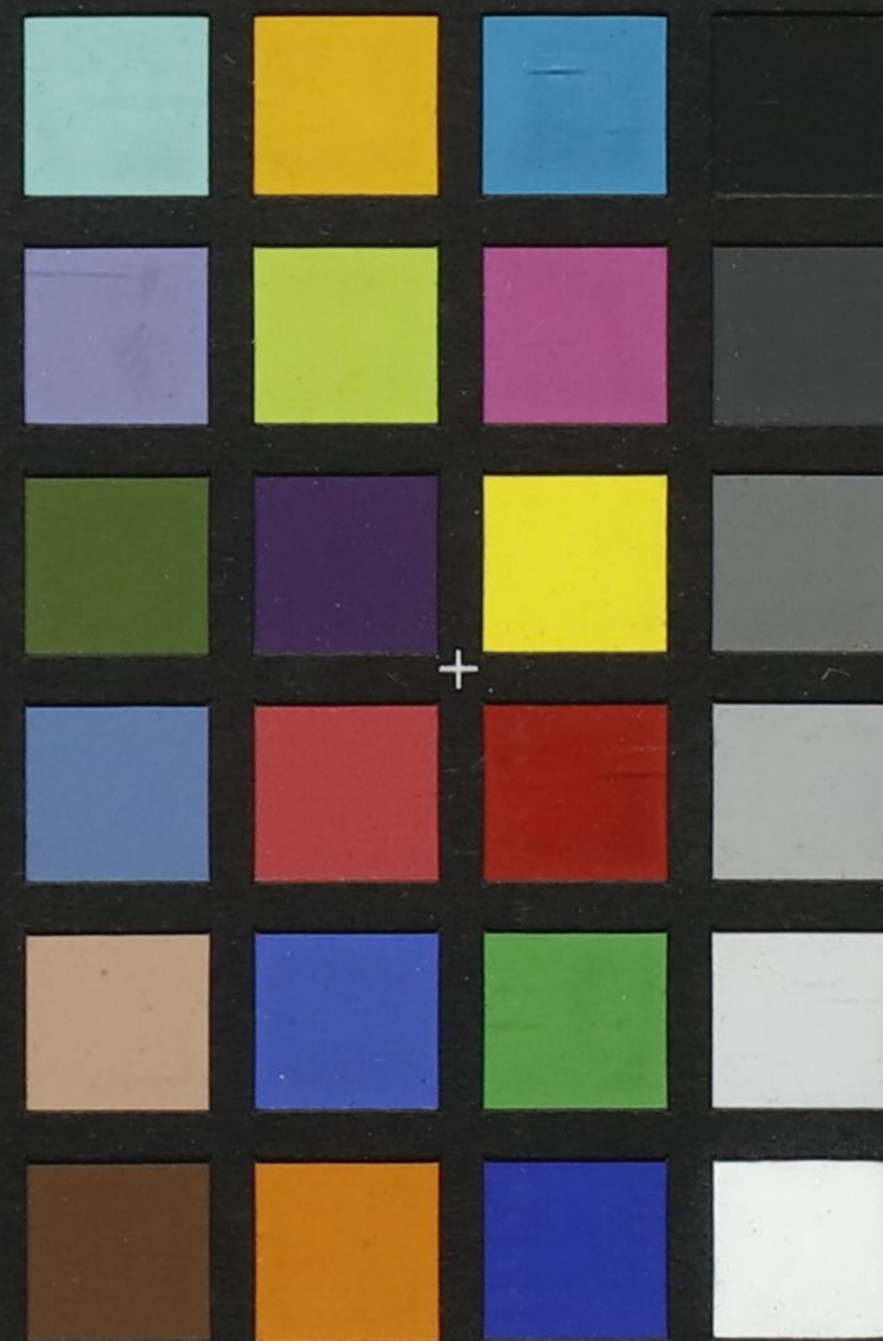
شماره ۲

دبیره

ذبیح بهروز

x-rite

colorchecker CLASSIC



mm

